



شماره ۳۸۰۵

بریده جراید



از تاریخ: ۹۶/۰۵/۲۲ تا تاریخ: ۹۶/۰۵/۲۸

فهرست مطالب بریده جراید (شماره ۳۸۰)

عنوان مطلب	روزنامه	صفحه روزنامه	تاریخ چاپ
انقلاب اقتصادی دولت دوازدهم	سایت تاجران	-	-
وزیر دولت دوازدهم با برنامه جامع	گسترش صمت	۴	۹۶/۰۵/۲۲
تنش ارزی در کمین اقتصاد ایران	جهان صنعت	۳	۹۶/۰۵/۲۲
سه ضلع ترغیب سرمایه‌گذاران	دنیای اقتصاد	۳	۹۶/۰۵/۲۲
تمهیدات وزیر برای همراه کردن بخش خصوصی	گسترش صمت	۴	۹۶/۰۵/۲۳
دولت در سیاهچال نقدینگی	جهان صنعت	۳	۹۶/۰۵/۲۳
پیشنادهای «نعمت‌زاده» به وزیر آینده صنعت	دنیای اقتصاد	۳	۹۶/۰۵/۲۳
همراهی مجلس با وزیر برنامه محور	گسترش صمت	۴	۹۶/۰۵/۲۴
مثلث مشکلات اقتصادی	جهان صنعت	۳	۹۶/۰۵/۲۴
هزینه‌های تغییر ساختار دولت	دنیای اقتصاد	۳	۹۶/۰۵/۲۴
۴ اولویت دولت در بخش تولید و تجارت	گسترش صمت	۴	۹۶/۰۵/۲۵
نسخه جدید برای رونق	جهان صنعت	۳	۹۶/۰۵/۲۵
چهار واقعیت در عقبگرد صنعت	دنیای اقتصاد	۳	۹۶/۰۵/۲۵
بازرگان ایرانی چگونه بازارها را از دست می‌دهد؟	گسترش صمت	۴	۹۶/۰۵/۲۸
نظام بانکی در گذر از بحران	جهان صنعت	۳	۹۶/۰۵/۲۸
پلمب برندهای پوشاک بدون مجوز	دنیای اقتصاد	۳	۹۶/۰۵/۲۸
موافقت با تسهیل واردات مواد اولیه پوشاک	دنیای اقتصاد	۳	۹۶/۰۵/۲۸
فرمول ارفاق مالیاتی برای کوچک‌ها	دنیای اقتصاد	۳	۹۶/۰۵/۲۸

قابل ذکر است کلیه مطالب عنوان شده در فهرست فوق در سایت انجمن به نشانی www.aiti.ir در بخش «برگزیده نشریات» قابل رویت می باشد.

انقلاب اقتصادی دولت دوازدهم

روز پنجشنبه دوازدهم مرداد ماه، حکم ریاست جمهوری حسن روحانی به عنوان رئیس جمهوری دوازدهم توسط مقام معظم رهبری تنفیذ شد تا ایشان برای چهار سال دیگر سکان دار قوه مجریه باشد و انشاءالله با تمام قدرت در راستای عزت و بهروزی ملت گام بردارد. دکتر روحانی در سخنانش پس از تنفیذ حکم ریاست جمهوری از احقاق حقوق مردم، همیاری و همدلی، اعتدال و دوری از افراط و تفریط و اصالت دادن به حاکمیت قانون سخن گفت و تاکید کرد هدف دولت دوازدهم ایجاد یک «انقلاب اقتصادی» است که با پیگیری سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی میسر خواهد شد.

رویکرد دولت دوازدهم در ایجاد انقلاب اقتصادی چگونه خواهد بود؟ با نگاهی به سخنان دکتر روحانی، می توان چهار محور مردم سالاری، تولید دانش و ثروت، توجه به بخش خصوصی و تعاملگرایی را ارکان این رویکرد قلمداد کرد.

۱- مردم سالاری در سایه وفاق و مشارکت حداکثری:

دکتر روحانی با اشاره به حضور رای دهندگان انتخابات گفت مردم می بینند با رای دادن به نامزد مورد نظر خود، در سرنوشت کشور مشارکت دارند و این امر دلبستگی آنان را به نظام و کشور بیشتر می کند. رای اعتماد بالایی که مردم به دکتر روحانی در انتخابات دادند اگر با اجرای قدرتمند وعده های انتخاباتی ایشان همراه شود دلبستگی مردم را به نظام و کشور بیشتر هم خواهد کرد و در ضمن این احساس را ایجاد خواهد نمود که واقعا مردم در تعیین سرنوشت خود و مسیر کشور دخیل هستند. البته مردم سالاری و تکیه بر مشارکت مردم بدون پذیرش تنوع افکار و سلیقه ها حاصل نخواهد شد. در همین راستاست که رئیس جمهوری می گوید: ما آموخته ایم جامعه ایرانی از نظر سبک زندگی متفاوت است و همه برداشت یکسانی از فرهنگ و هنر ندارند، این تنوع را باید به رسمیت شناخت و پاس داشت. جای خوشحالی است که رئیس جمهوری بر توجه دولت به همه اقوام تاکید دارند و در دولت یازدهم هم تلاش های دستیار ویژه ایشان در امور اقوام و اقلیت های دینی و مذهبی حائز اهمیت بود. به گفته رئیس جمهوری همه اقوام ایرانی پاره تن وطن هستند و همه حق دارند خواهان توجه و مشارکت بیشتر باشند تا توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی متوازن صورت گیرد.

۲- رفع فقر در سایه تولید دانش و ثروت:

انقلاب اسلامی به عنوان آرمانی که در پی اعتلای مادی و معنوی مردم بوده، توجه ویژه ای به مستضعفان داشته است. متأسفانه در سالهای گذشته، وجود یک نگرش اشتباه از رشد و عدالت اجتماعی، به جای بهبود وضعیت فقرا به بازتولید فقر انجامید و توسعه پایداری را نیز در پی نداشت. دکتر روحانی با تاکید بر لزوم ریشه کن کردن فقر مطلق و اجرایی کردن برنامه های حمایتی همچون قدرت بخشیدن به نظام تامین اجتماعی، تاکید کردند که برای ایجاد عدالت اجتماعی و رفع فقر، نیازمند تولید ثروت هستیم وگرنه فقر را میان مردم تقسیم می کنیم.

رئیس جمهوری افزود رفع فقر در گرو ایجاد شغل است زیرا که یکی از مجاری وجود فقر بیکاری است. کشور نیازمند ایجاد شغل است که برای موفقیت در این مسیر، نیازمند فناوری‌های پیشرفته و نوین هستیم. در همین راستاست که رئیس جمهوری تاکید کرده که در سال‌های آینده، برای رشد شتابان اشتغال و تولید ثروت، باید به بازار و فناوری‌های پیشرفته دسترسی پیدا کنیم.

۳- اقتصاد مقاومتی در سایه بخش خصوصی قدرتمند:

رئیس جمهوری در ادامه تاکید داشتند برنامه‌های اقتصادی دولت دوازدهم بر مبنای اصول تعیین شده برای اقتصاد مقاومتی و نیز اصل ۴۴ قانون اساسی خواهد بود. این سخنان دکتر روحانی حکایت از آن دارد که دولت دوازدهم اقدامات گسترده‌تری برای توسعه اقتصاد درونزا و برون‌گرا انجام خواهد داد و با قدرت بیشتری از فرایند خصوصی سازی و ایجاد بخش خصوصی واقعی حمایت خواهد کرد.

در رابطه با مبحث درونزایی رئیس جمهوری گفت « برای ساختن آینده ناگزیر به تکیه بر توانمندی داخلی هستیم.» البته درونزایی بدون توجه به ظرفیت‌های موجود و در نتیجه توجه به همه مردم از جمله زنان و جوانان مسیر نمی‌شود و در همین راستاست که رئیس جمهوری تاکید کرد شرایط مربوط جهانی با حضور زنان و جوانان تاثیرگذار خواهد بود. امید است طی چهار سال آینده شاهد حضور زنان در پست‌های کلیدی مدیریتی باشیم تا دولت هم در راستای شایسته سالاری حرکت کند و هم با حضور زنان، پایه‌های مردمی قوه مجریه مستحکم‌تر شود.

۴- همگرایی و تعامل و در سایه اعتدال:

دکتر روحانی چهار سال پیش نیز با پیام اعتدال و تعامل وارد میدان شد و تلاش‌های دیپلماتیک دولت که به امضای برجام و ورود کشور به دوران پساتحریم انجامید حاکی از موفقیت این رویکرد بود. رئیس جمهوری در مراسم تنفیذ یادآور شد که امروز جامعه جهانی به مانند مللی در هم تنیده در همسایگی هم قرار دارد و از همین رو نمی‌توان توسعه پایدار را بدون تعامل با جهان میسر ساخت. دکتر روحانی افزود گذر از دشوارترین تحریم‌ها با ترکیب قدرت دیپلماسی و برخورداری از توان بازدارنده دفاعی میسر شد که اولین قدم ما برای تعامل است.

رئیس جمهوری با اشاره به حمایت‌های مردمی از پیام صلح و تعامل با کشورهای جهان گفت برجام سند حسن نیت جمهوری اسلامی در ایجاد تعاملی سازنده با جهان است و اکنون دولت با اعتماد به نفس و پشتوانه رای مردم در چارچوب قانون اساسی با جهان تعامل می‌کند. دکتر روحانی تاکید کرد کشور ما اگرچه از سر عزتمندی هزینه استقلال خود را می‌پردازد، اما هیچگاه تحمیل انزوا را از سوی دشمنان نمی‌پذیرد و خواست بدخواهان در جهت دور نگه داشتن ایران از بهره‌گیری از تجربه‌های جهانی و حضور در عرصه بین‌الملل و تعامل با جهان را نمی‌پذیرد.

در گفت‌وگوی صمت با نمایندگان مجلس شورای اسلامی مطرح شد

وزیر دولت دوازدهم با برنامه جامع

منیر حضوری: وزارت صنعت، معدن و تجارت به عنوان یک وزارتخانه مرجع و مادر شناخته شده است که در اعمال اهداف اقتصاد مقاومتی اهمیت کلیدی دارد. با در نظر گرفتن نقش‌آفرینی این وزارتخانه در حوزه‌های مختلف می‌توان گفت که بر رونق تولید و افزایش اشتغال تأثیر بسزایی دارد. با توجه به پیشنهاد محمد شریعتمداری از سوی دولت دوازدهم برای وزارت صنعت، معدن و تجارت سوال این است که وزیر پیشنهادی حسن روحانی چقدر برای ایفای این نقش آمادگی دارد و باید به کدام سمت برود تا در راستای توسعه و رشد اقتصادی حرکت کند؟ برای پاسخ به این سوالات با چند تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از کمیسیون‌های اقتصادی و صنایع و معادن به گفت‌وگو نشستیم.

شریعتمداری سوابق خوبی دارد

محمدحسین فرهنگی، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با صمت به سوابق خوب وزیر پیشنهادی دولت در وزارت صنعت، معدن و تجارت اشاره و اظهار کرد: محمد شریعتمداری از جمله افراد باتجربه و دارای سابقه خوب برای این مسئولیت است. به باور من، ایشان توانمندی‌های لازم برای انجام مسئولیت در وزارتخانه صنعت، معدن و تجارت را دارند. نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی در پاسخ به این سوال که چه انتظاری از وزیر پیشنهادی دولت دوازدهم در حوزه صنعت، معدن و تجارت دارد، گفت: امیدوارم فردی که بر سر کار می‌آید در مدت ۴ سال ساماندهی مناسبی به اوضاع معادن و سایر صنایع بدهد و صنعت کشور و معادن را از وضعیتی که در بخش‌های مختلف تصمیم‌گیری حاکم است، برهاند. فرهنگی با اشاره به اهمیت بخش بازرگانی در کشور بیان کرد: باید ارتباط صحیحی بین دو بخش بازرگانی و صنعت برقرار شود. متأسفانه گاهی آشفتگی‌هایی در این حوزه وجود دارد که چندان خوشایند نیست. به طور مثال، گاهی مسائل گمرکی با مسائل حمایت از تولید داخلی و صنعت و معدن سازگار نیست که باور دارم باید آنها را با روال درستی ساماندهی کرد. عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی در ادامه به مسائل دیگری که باید مورد توجه وزیر جدید قرار بگیرد اشاره کرد و گفت: آسان‌سازی کسب و کار، حمایت از توسعه و تولید، هماهنگی مناسب با محیط‌زیست و مسائل مربوط به تفویض اختیار به استان‌ها از جمله انتظاراتی است که از این سازمان وجود دارد. او تأکید کرد: در کل انتظار ما از همه مسئولان به ویژه وزیر صنعت، معدن و تجارت به عنوان وزیر آینده در حمایت مستقیم و پیوسته از مردم است.

لزوم توجه به صنایع کوچک و متوسط

قرچه طیار، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با صمت با بیان اینکه فعلاً در مجلس جمع‌بندی نکرده‌ایم و کمیته‌های تخصصی در حال بررسی هستند، اظهار نظری درباره وزیر پیشنهادی دولت دوازدهم نکرد. نماینده مردم گنبد کاووس در ادامه انتظارات خود از وزیر جدید صنعت، معدن و تجارت را بیان کرد. او در اولویت‌بندی برنامه‌های وزیر جدید گفت: نخست انتظار داریم که به صنایع کوچک و متوسط توجه شود. با نظر به اینکه ۸۱ هزار واحد از ۸۴ هزار واحد صنایع کشور را این‌گونه صنایع تشکیل می‌دهند و از طرف دیگر این صنایع سرمایه‌گذاری کمتر و بازدهی سریع‌تر دارند در نتیجه برای ایجاد اشتغال در نقاط مختلف کشور کلیدی هستند. مورد دومی که این نماینده مجلس شورای اسلامی مدنظر قرار داد بحث واحدهای صنعتی بود. او در این باره گفت: توجه به واحدهای صنعتی و طرح‌های اشتغالزایی نیمه‌تمام و کمک به اتمام و بهره‌برداری سریع آنها کلیدی است. برای این مهم سرمایه‌گذاران ما باید بتوانند از تسهیلات بانکی و سررسید آن به راحتی بهره‌مند شوند. او همچنین تأکید کرد: باید نظارت بیشتر و مستمری بر معادن کشور از نظر امکانات و تجهیزات داشته باشیم. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی در راستای برقراری عدالت اجتماعی، توجه به مناطق مرزی، محروم و کمتر توسعه‌یافته نیز گفت: باید به این مناطق اهمیت بیشتری داده شود. به طور مثال، دولت‌های پیشین سال‌ها به بهانه کشاورزی بودن مانع استقرار صنایع بزرگ در استان گلستان شده‌اند و اکنون در نبود صنایع اشتغالزا و با توجه به تنش شدید آبی و حتی بحران آبی در نقاط شمالی و مرزی آن، کشاورزی منطقه و در نتیجه معیشت مردم به ویژه روستاییان به شدت مورد تهدید قرار گرفته است. او ادامه داد: تلاش برای ارتقای کیفی کالاهای ایرانی برای جلب نظر و رضایت مردم به منظور خرید کالای ایرانی و برقراری محدودیت برای ورود بی‌رویه کالاهایی که مشابه داخلی دارند، تلاش دوچندان برای جذب فابریک‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی برای جبران کسری نقدینگی و اعتبارات لازم برای توسعه صنعتی و اشتغالزایی جوانان که مستلزم

حذف قوانین دست‌وپاگیر و موازی و سختگیرانه با تعامل با سایر وزارتخانه‌ها و دستگاه‌ها است، نیز کلیدی است. طیار درباره تحقق اقتصاد مقاومتی درون‌زا و برون‌نگر گفت: باید به مناطقی مثل شهرستان گنبد کاووس و بخش مرزی و محروم داشلی‌برون که از موقعیت استراتژیک و مرزی با امکانات و زیرساخت‌هایی مثل گمرک مرزی و راه‌آهن بین‌المللی اینچه‌برون، بازارهای مصرف قابل تامل و در دسترس در مجاورت مرزها دارند، توجه بیشتری شود. او در آخر به آسان‌سازی در راه‌اندازی واحدهای صنعتی اشاره کرد و گفت: ممانعت از اعمال تفکرات جزیره‌ای، انحصارطلبانه و سختگیری‌های بی‌مورد اتحادیه‌های صنعتی برای صدور جواز کسب باید مورد توجه قرار گیرد چرا که این امر مانع اشتغال خودکفا بدون سرمایه‌گذاری و تحمیل هزینه به دولت می‌شود.

برای رونق تولید چشم ما به وزارت صنعت است

محمد حسن‌نژاد، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با صمت اظهار کرد: وزارت صنعت، معدن و تجارت به عنوان یک وزارتخانه مرجع و مادر است. از آنجا که این بخش متولی اقتصاد مقاومتی است برای رونق تولید چشم ما به این وزارتخانه است. او بیان کرد: با توجه به اینکه همه شهرک‌های صنعتی از زیر نظر این وزارتخانه می‌گذرد در نتیجه انتظار ما این است که به تولید ملی و رقابت بیشتر بها داده شود. نماینده مردم مرند و جلفا در مجلس شورای اسلامی در ادامه به اهمیت بازاریابی و فروش اشاره و بیان کرد: بعد از تولید باید به دنبال بازار بود. برای همین من از جمله کسانی هستم که مخالف جدایی این وزارتخانه به دو بخش صنعت و بازرگانی هستم. مشکل ما این است که کل وزارت بازرگانی را در چند مورد محدود خلاصه کرده‌ایم در حالی که این وزارتخانه باید نخست بازاریابی کند طوری که بداند محصول خود را بعد از تولید به کجا بفروشد. درواقع قسمت بازرگانی باید به کالای تولیدی با دیدگاه فروش و بازاریابی نگاه کند و به تولید خط بدهد که کدام طرف بیشتر سرمایه‌گذاری کند و بداند که بازار کدام بخش خوب است و می‌توان برای این مهم به کدام فرهنگ نزدیک شد. حسن‌نژاد در ادامه به انتظارات خود از وزیر صنعت اشاره کرد و گفت: وزیر جدید باید بتواند در بخش بازرگانی دست واسطه‌ها را کوتاه و شبکه توزیع را کم هزینه کند. در حوزه معدن نیز بحث خام‌فروشی را حل کند. ما نباید به معدن دیدگاه رانتی داشته باشیم. اگر به کسی در معدن مجوز می‌دهیم در کنارش باید کسی باشد که صنایع پایین‌دستی را راه اندازد. به طور مثال، معدن مس مسجد جامع در آذربایجان مشکلاتی داشت که البته مهندس محمدرضا نعمت‌زاده خیلی تلاش کرد که آنها را حل کند و گام‌های اساسی هم برداشت.

این نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: در دنیا فقط ما نیستیم که مس داریم، شیلی هم از جمله کشورهایی است که بیشتر از ما مس دارد ولی چطور آنها در بهره‌برداری مشکلی ندارند اما ما همچنان مشکلاتی داریم؟ باور دارم برای حل چنین مشکلاتی باید از تجربه جهانی استفاده کنیم تا هم بهره‌برداری را انجام دهیم و هم محیط را آلوده نکنیم. در حوزه معدن انتظار داریم که به صنایع تبدیلی هم توجه شود که به اشتغالزایی منجر شود. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی در پایان گفت: اگر وزیر صنعت بودم ۳ قائم‌مقام تام‌الاختیار حوزه صنعت، معدن و تجارت تشکیل می‌دادم و بعد خودم هماهنگ‌کننده این ۳ می‌شدم تا کارها بهتر پیش برود. در کل باید برای کشور کار کرد و به قانون هم پایبند بود.

شریعتمداری، یکی از نقاط قوت کابینه دوازدهم

الیاس حضرتی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با صمت اظهار کرد: وزیر پیشنهادی آقای روحانی در وزارت صنعت، معدن و تجارت یکی از نقاط قوت کابینه دولت دوازدهم خواهد بود. نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی بیان کرد: اگر مجموعه کابینه پیشنهادی دولت دوازدهم را بررسی کنیم افرادی را می‌بینیم که سوابق درخشانی دارند و بسیار کارآمد هستند و محمد شریعتمداری هم یکی از آنها است. حضرتی با خوشنام بودن وزیر پیشنهادی در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: بین نمایندگان نگاه خوبی نسبت به چنین وزیرانی وجود دارد. امیدوارم با تجربه‌های خوبی که آقای شریعتمداری دارد بتواند در بخش صنعت و تجارت حرکت‌های خوب و نجات‌بخشی انجام دهد.

روزنامه جهان صنعت / یکشنبه ۹۶/۰۵/۲۲ شماره ۳۷۰۳ صفحه ۳

تنش ارزی در کمین اقتصاد ایران

در ایران وقتی درباره ارز صحبت می‌شود منظور همان دلار است؛ لاقلاً در کوچه و بازار که اینطور است. از اول هم اینطور نبود، بعد از سال ۹۰ که احمدی‌نژاد قطعنامه‌ها و تحریم‌ها را به کشور تحمیل کرد این موضوع به وجود آمد. اینکه مردم را در هر شغل

و صنفی به یک صراف تبدیل کرد. صحبت از دو، سه برابر شدن قیمت دلار بود، آن هم در جامعه‌ای ملتهب از نظر سیاسی و اجتماعی. ساختارهای مختلف کشور هر یک درگیر معضلاتی شده بود که با انتخابات سال ۹۲، اینبار هرچند اثبات شد اما دچار رکود هم شد! باری... دلار برای مردم کشوری که تورم ۲۰ و ۳۰ درصدی را همین چند سال قبل تجربه کرده مساله مهمی است. طبیعی هم هست! به عنوان کشور صادرکننده نفت با بودجه نفتی، همه چیز از ادویه و خشکبار گرفته تا خودرو و ... همگی به قیمت دلار و عرضه آن بستگی دارد. یعنی دلار در ایران فقط یک موضوع اقتصادی نیست، بلکه می‌تواند عامل تحولات بزرگ سیاسی و اجتماعی و حتی امنیتی شود، چنانکه در سال‌های ۸۹ تا ۹۲ شاهد آن بودیم.

عرضه‌کننده دلار و در واقع دماسنج آن کیست؟ - بانک مرکزی و در بانک مرکزی شخصی که به صندلی معاونت ارزی تکیه می‌زند شخصیت تعیین‌کننده‌ای به شمار می‌رود که عملکرد وی تا کف جامعه اثرگذار خواهد بود. در اینجا نگاهی داریم به نوسانات قیمت دلار در ادوار مختلف از سال ۱۳۸۰ تاکنون.

۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶: محمدجعفر مجرد

نوربخش تاسال ۱۳۸۲ در بانک مرکزی حضورداشته و آخرین معاون ارزی وی محمدجعفر مجرد است که در دوره شیبانی و از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ نیز در این سمت حضورداشته است. در دوره وی بالاترین نوسان سالانه نرخ ارز در بازار آزاد در سال ۱۳۸۲ با حدود پنج درصد رخ داد و کمترین نوسان مربوط به سال ۱۳۸۱ می‌شود که نوسان قیمت دلار در بازار آزاد کمتر از یک درصد ثبت شده است. در سال ۱۳۸۰ قیمت هر دلار در بازار آزاد ۷۹۲۵ ریال بود که وقتی صندلی را تحویل داد این عدد به ۹۳۵۷ رسیده بود.

۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸: رضا راعی

بعد از اینکه شیبانی از بانک مرکزی استعفا می‌دهد، احمدی‌نژاد، رئیس دولت نهم، طهماسب مظاهری را جایگزین وی می‌کند که او نیز در مدت کمتر از یک‌سال از حضور خود در بانک مرکزی، راعی رابه عنوان جانشین مجرد برمی‌گزیند. در دوره مسوولیت او یعنی از آذر ۸۶ تا مرداد ۸۸، دلار در بازار آزاد هر سال حدود سه درصد نوسان قیمت داشت. او وقتی صندلی را تحویل گرفت دلار در بازار آزاد ۹۶۶۷ ریال بود و وقتی صندلی را تحویل داد دلار در بازار ۹۹۷۹ ریال شده بود.

۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲: دوران تیره و بی‌ثبات

بعد از رفتن مظاهری، محمود بهمنی به بانک مرکزی می‌آید که وی البته با حذف رضا راعی، برهانی، سیدعلی و در ادامه مینو کیانی‌راد را در سال‌های حضورش تا ۱۳۹۲، در سمت معاونت ارزی قرار می‌دهد. در سال ۸۹ و یک‌سال بعد از خروج راعی از معاونت ارزی نوسان سالانه قیمت دلار در بازار آزاد دو برابر شده و به بیش از شش درصد می‌رسد. در سال ۹ این نوسان به بیش از ۲۸ درصد می‌رسد. این دوره، دوره مسوولیت برهانی است. وقتی آمد دلار در بازار آزاد ۱۰۶۰۱ ریال بود و وقتی در سال ۹۰ صندلی را تحویل داد دلار به ۱۳۵۶۸ ریال رسیده بود! نفر بعدی در لیست بهمنی سیدکمال سیدعلی است که البته عمر معاونت او به سال نکشید که بتوان دوران او را ارزیابی کرد. پس از حدود ۴،۵ ماه بهمنی، سیدعلی را هم حذف و جای او را به مینو کیانی‌راد داد. مسوولیت کیانی‌راد با بحران دلار مصادف شد. قبل از او دلار ۱۳۵۶۸ ریال بود اما وقتی در سال ۱۳۹۲ روحانی آمد و دوران بهمنی به پایان رسید و رفت دلار را ۳۶۳۰۰ ریال تحویل داد!

۱۳۹۲ به بعد: دوران کاهش و رشد

از ۱۳۹۲ به بعد که سیف رئیس بانک مرکزی شد غلامعلی کامیاب را به سمت معاونت ارزی بانک مرکزی منصوب کرد و تاکنون نیز او بر این صندلی تکیه زده است. اگرچه در سال‌های گذشته که در اینجا بررسی شده کمتر اثری از کاهش دیده می‌شود اما بنابر آرام شدن التهابات جامعه و حضور موثر بین‌المللی ایران، در سال اول دولت روحانی همزمان با امید مردم به بهبود شرایط شاهد کاهش قیمت دلار هستیم. اما بعد از سال‌های ۹۲ و ۹۳ در سال‌های ۹۴ و ۹۵ مجدداً شاهد نوسان حدود چهار درصد برای سال ۹۴ و نزدیک به هفت درصد در سال ۹۵ هستیم.

از امروز به بعد

معاون ارزی بانک مرکزی یکی از پنج شخص مهم و تاثیرگذار در زمینه اقتصاد کلان کشور به شمار می‌رود و با توجه به نوسانات احتمالی نرخ ارز به واسطه سیاست‌های اجرایی که در دست دولت دوازدهم قرار دارد، به نظر می‌رسد چهار سال پرچالش پیش روی بانک مرکزی و معاون ارزی آن قرار داشته باشد. با این حال رئیس کل بانک مرکزی در یک اقدام نه‌چندان کارشناسی شده و بالاجبار شخصی کم‌تجربه و ناآشنا به بازار ارز را به عنوان معاون ارزی خود در سال‌های آتی در نظر گرفته است.

سید احمد عراقچی که تجربه خاصی در زمینه وزارتخانه‌ها و نهادهای سیاستگذار اقتصادی کشور نداشته و عملکرد قابل بحثی را از خود بر جای نگذاشته است، در حالی در این پست حساس قرار گرفته که به نظر می‌رسد کنترل و مدیریت پیچیدگی‌ها و چالش‌های بازار ارز از توان وی خارج است و جای سوال دارد که چرا در چنین برهه زمانی خاصی چنین تصمیمی از سوی بانک مرکزی اتخاذ شده است.

این در حالی است که هنوز ماندن سیف قطعی نشده است؛ اتفاقی که به نظر می‌رسد با قرار گرفتن عراقچی در پست معاونت ارزی و جابه‌جایی کامیاب در معاونت بین‌الملل این بانک، با اهداف و مقاصد خاصی همراه بوده باشد و گویا رییس کل کنونی بانک مرکزی طرح‌هایی برای مدیریت بازار پولی و بانکی کشور در سال‌های آینده در نظر گرفته است. اما هرچه باشد یک نکته روشن است و آن اینکه تغییرات و عدم ثبات در پست حساسی همچون معاونت ارزی باید با احتیاط صورت پذیرد تا از تنش‌ها و نوسانات بازار که تاثیر عمده‌ای بر اقتصاد کشور دارد، جلوگیری شود.

روزنامه دنیای اقتصاد / یکشنبه ۹۶/۰۵/۲۲ شماره ۲۱۱۷ صفحه ۳

در یک گزارش پژوهشی بررسی شد

سه ضلع ترغیب سرمایه‌گذاران

دنیای اقتصاد: ارزیابی تحلیلگران نشان می‌دهد که سه عامل در ترغیب یا تغییر رفتار سرمایه‌گذاران اثر دارد. این عوامل در سه دسته عوامل اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی قابل دسته‌بندی است. در میان این عوامل اما آنچه که بیش از همه بر رفتار سرمایه‌گذاران اثر دارد، دو مولفه «ثبات سیاسی» و «کنترل فساد» است که در زیرمجموعه عوامل سیاسی قرار می‌گیرند. اهمیت این دو مولفه کلیدی از آنجا آشکارتر می‌شود که براندازی دولت با ابزارهای خشونت‌آمیز از طریق «کودتا یا خطر تروریسم و تنش‌های قومیتی» و همچنین «فساد در میان بخش دولتی، خصوصی و وجود سیستم رشوه و عدم برخورد قضایی با آن» می‌تواند تاثیرات فراوانی در رفتار سرمایه‌گذاران بین‌المللی برای کشور میزبان داشته باشد.

آسیب‌شناسی وجود ابزارهای خشونت‌آمیز نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران هنگامی که قادر نباشند میزان ریسکی را که با آن مواجه هستند، به درستی ارزیابی کنند از سرمایه‌گذاری در برنامه‌های پرمخاطره‌ای که برای رشد ضروری هستند، سرباز خواهند زد. پژوهش‌های «فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی» وزارت امور اقتصادی و دارایی بیانگر این موضوع است که شاخص‌های مذکور نه تنها بر سرمایه‌گذار بین‌المللی تاثیر می‌گذارند، بلکه سرمایه‌گذار داخلی را نیز با شک و تردید مواجه می‌کند. در پژوهشی که انجام شده تاثیر «ثبات سیاسی» و «کنترل فساد» بر جذب پول خارجی در ۱۸ کشور عضو «منطقه منا» طی یک دوره ۱۹ ساله (۱۹۹۶-۲۰۱۴) مورد بررسی قرار گرفته است.

عوامل حاکم بر جذب پول

میزان توسعه‌یافتگی کشورها به عوامل متعددی وابسته است؛ یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه‌یافتگی در دنیا موفقیت در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ورود سرمایه‌های فیزیکی و مالی به کشور است. در سال‌های گذشته تحولات قابل توجهی در جهان رخ داد که رشد بالای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بدون شک یکی از این رویدادهای مهم به شمار می‌رود. بنابراین امروزه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به یکی از اجزای کلیدی سیاست‌های اقتصادی کشورها در حال توسعه و توسعه‌یافته تبدیل شده است. براساس این گزارش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تحت تاثیر عوامل فراوانی قرار دارد. عوامل موثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را می‌توان در سه دسته عمده «عوامل اقتصادی»، «عوامل سیاسی» و «عوامل جغرافیایی» دسته‌بندی کرد. در دسته «عوامل سیاسی»، ابعاد زیادی برای جذب پول خارجی مورد بررسی قرار می‌گیرند. «شوکه‌ها و بحران‌های سیاسی» و «نوع و کیفیت حکمرانی یک کشور» از جمله مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به شمار می‌روند. در این شرایط زمانی که سرمایه‌گذاران نتوانند میزان ریسک را به درستی بسنجند از سرمایه‌گذاری در برنامه‌های پرمخاطره جلوگیری خواهند کرد.

این در حالی است که تبلور ثبات سیاسی، کنترل فساد و اطمینان به حاکمیت یک کشور خود را در شاخصی تحت عنوان حکمرانی نشان می‌دهد. تا پیش از سال ۱۹۹۹ نقش اقدامات حکومت در سطح ملی، بر جذب سرمایه تا مدت‌های زیادی نادیده گرفته می‌شد؛ اما عمدتاً علت این نادیده گرفتن، فقدان اطلاعات با کیفیت درمورد اقدامات حکومت‌ها و شاخص‌ها بود، تا اینکه در سال ۱۹۹۹ امور دولت‌ها و اقدامات آنان به‌عنوان شاخصی به نام حکمرانی خوب معرفی شد. براین اساس

شاخص‌های حکمرانی در سراسر دنیا از سوی «دولت‌ها» «سنت‌ها» و «مؤسسات» تعریف شد و اکنون دارای ۶ بُعد است که اندازه دولت از سوی آنها تعیین می‌شود. شاخص حکمرانی خوب شامل «حق اظهارنظر و پاسخگویی»، «ثبات سیاسی»، «اثربخشی دولت»، «کیفیت قوانین و مقررات»، «حاکمیت قانون» و «کنترل فساد» است. ارزیابی‌های این گزارش نشان می‌دهد از بین ۶ شاخص حکمرانی خوب، چهار شاخص اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد بیانگر حضور غیربودجه‌ای و غیرمستقیم دولت در حوزه اقتصاد است. این در حالی است که در کشورهای با حکمرانی خوب، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افزایش پیدا می‌کند. از نتایج این پژوهش می‌توان به تاثیر بالای کنترل فساد و ثبات سیاسی که دو شاخص از حکمرانی خوب هستند بر شدت سرمایه‌گذاری اشاره کرد که تاثیر ثبات سیاسی از سایر شاخص‌های حکمرانی خوب بیشتر است.

اما دسته دوم که در جذب پول خارجی موردتوجه قرار می‌گیرد، «عوامل اقتصادی» است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند از عوامل اقتصادی همچون «نرخ رشد اقتصادی»، «تغییرات نرخ ارز»، «آزادی تجارت» و «تغییرات نرخ تورم» تاثیر پذیرد. تاثیرات منفی هر یک از این عوامل بر سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند رشد کشور میزبان را با مخاطرات جدی روبه‌رو سازد. سرمایه‌گذاران با آگاهی از این عوامل اقتصادی می‌توانند میزان قدرت اقتصادی کشورهای مقصد و حوزه نفوذ بازارهای آنها را دریابند. نتایج داده‌های آماری نشان می‌دهد که «بی‌ثباتی نرخ ارز» باعث کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود. همچنین بررسی‌ها حاکی است که در کوتاه‌مدت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تولید ناخالص داخلی تاثیرگذار نیست؛ اما در بلندمدت میزان تولید ناخالص داخلی بر جذب پول خارجی تاثیرگذار است؛ به این معنا که باعث رشد سرمایه‌گذاری خارجی می‌شود. همچنین نرخ تورم به مثابه افزایش مداوم و بی‌رویه سطح عمومی قیمت کالا و خدمات، با ایجاد بی‌ثباتی و عدم اطمینان اقتصادی، تقاضای موثر یا قدرت خرید را در اقتصاد کشور میزبان پایین می‌آورد و تاثیر منفی بر جذب سرمایه‌های خارجی دارد. تغییرات تورم در کشورهای میزبان به‌عنوان یکی از عوامل ریسک مطرح است و به طور کلی سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جبران ورود سرمایه در کشورهای پرخطر، کمتر است.

تغییر پارادایم اولویت

در گزارش «بررسی تاثیر ثبات سیاسی و کنترل فساد بر سرمایه‌گذاری خارجی» از کشورهای منطقه منا به علت نزدیکی ساختارهای سیاسی، اقتصادی و همچنین حضور ایران در این منطقه که مشتمل بر ۱۸ کشور است، استفاده شده و محدوده زمانی انتخاب شده نیز شامل یک دوره ۱۹ ساله است. نتایج نشان می‌دهد که «تولید ناخالص داخلی»، «نرخ ارز»، «ثبات سیاسی»، «کنترل فساد» و «کیفیت نهادی» بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای مورد مطالعه اثر مثبت و معناداری خواهند گذاشت؛ اما تاثیر متغیرهای «نرخ تورم» و «آزادی تجارت» مورد تایید نیستند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی و نرخ ارز در کشورهای منطقه منا، تاثیر مثبت و معناداری در جذب پول دارند. به عبارت دیگر کشورهایی که از تولید ناخالص داخلی و نرخ ارزی بالاتری برخوردار هستند، در جذب سرمایه‌گذاران خارجی موفق‌تر بوده‌اند. براساس این گزارش کشورهای منا در معرض بی‌ثباتی، جنگ داخلی و انقلاب‌های پی در پی قرار دارند و «فساد»، «بی‌ثباتی سیاسی»، «اقتصاد دولتی»، «وجود تعرفه‌های بالای وارداتی» و... از ویژگی‌های کشورهای این منطقه است. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد کشورهایی که موفق به رسیدن به یک حد آستانه از حکومت‌داری خوب نشده‌اند، بعید به نظر می‌رسد که موفق به جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شوند. تحلیلگران در مطالعات انجام شده این فرضیه را که ثبات سیاسی می‌تواند موجب افزایش سرمایه‌گذاری شود، مورد واکاوی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که رخدادهای سیاسی، جریان سرمایه‌گذاری را تغییر خواهد داد و شرکت‌های سرمایه‌گذاری در هنگامی که دولت‌ها از بی‌ثباتی بالایی برخوردار هستند، نمی‌توانند واکنش مناسبی را نشان دهند. بنابراین این شرایط موجب می‌شود تا فرضیه‌ای قوی مبتنی بر عدم توسعه‌یافتگی کشورهای منا و جذب پول خارجی ضعیف و پایین مطرح شود.

به‌طور کلی، می‌توان گفت در کشورهای توسعه‌یافته، حضور نهادهای باسابقه طولانی از ویژگی‌های اصلی این کشورهاست. به عبارت دیگر در این کشورها ابتدا توسعه سیاسی اتفاق افتاده است و توسعه اقتصادی در مراحل بعدی زمینه‌های ورود این کشورها به مرحله رشد و توسعه پایدار را فراهم آورده است. اما از آنجا که این پژوهش کشورهای منطقه منا را مورد بررسی قرار می‌دهد و این کشورها اغلب کشورهای در حال توسعه بوده و در مراحل اولیه توسعه قرار دارند؛ بنابراین شکل‌گیری نهادها به درستی انجام نگرفته است. بسیاری از این کشورها برای ورود به اقتصاد جهانی به علت وفور منابع طبیعی مانند

نفت و گاز، ابتدا وارد مرحله رشد اقتصادی شده‌اند. در حالی که توسعه سیاسی و در مراحل بعدی اقتصادی، برای رسیدن به توسعه پایدار ضروری است.

چگونه ورود سرمایه‌های خارجی هموار می‌شود؟

دنایا اقتصاد: چه مولفه‌هایی سرمایه‌گذاران خارجی را از آینده سرمایه خود مطمئن می‌کند. بررسی‌های کمیسیون سرمایه‌گذاری اتاق ایران نشان می‌دهد اگرچه سرمایه‌گذاری پروسه‌ای زمانبر است، اما نقدهای جدی به بسترهای سرمایه‌گذاری در ایران وارد است. مطابق ارزیابی‌ها، برجام فضای بین‌المللی را نسبت به ایران تغییر داده است، اما باید به قوانین بین‌المللی مانند رعایت استانداردهای بانکی و حسابرسی بین‌المللی پایبند باشیم. تعامل با گروه ویژه اقدام مالی (FATF) و پیوستن به سازمان تجارت جهانی (WTO) نیز از دیگر مواردی است که زمینه جذب سرمایه‌گذاری را هموار می‌کند؛ چرا که عضویت در این سازمان‌ها مستلزم پذیرفتن اصول و معاهدات متعددی است که مورد قبول کشورهای عضو قرار گرفته است و به کاهش فساد اقتصادی کمک می‌کند. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی اتاق بازرگانی ایران، در ارزیابی که فریال مستوفی، رئیس کمیسیون سرمایه‌گذاری اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران از اثرات برجام در زمینه جذب سرمایه خارجی داشته، بر این نکته تأکید شده که اولین اقدام، بعد از برجام آماده‌سازی بسترهای لازم برای سرمایه‌گذاری است. موضوع بعد بحث امنیت سرمایه‌گذاری و اقدام برای تأمین آن است.

بنابراین ابتدا باید فضای کسب‌وکار بهبود یابد و این مهم می‌تواند توسط حاکمیت و از طریق اصلاح قوانین و ایجاد شفافیت، همچنین حمایت از بخش خصوصی «واقعی» در تصمیم‌سازی‌ها، تحقق پذیرد. از سوی دیگر، لازم است دولت برنامه منسجمی برای جذب و کنترل سرمایه خارجی تهیه کند. به گفته مستوفی، یکی از انتقادات سرمایه‌گذاران خارجی از بازار ایران این است که می‌خواهند بدانند با چه شخصی یا شرکتی معامله می‌کنند. مانع بعدی درباره موضوع تأمین مالی و فاینانس پروژه‌ها است. از سوی دیگر، تغییرات نرخ ارز و عدم زیرساخت‌هایی که باید برای پوشش ریسک نوسانات نرخ ارز وجود داشته باشد، از دیگر چالش‌ها است. عدم معرفی کامل و درست از ایران پس‌برجام به دلیل نبود اطلاعات کافی و مشکلات مراودات بانکی نیز مواردی است که هنوز به‌طور کامل رفع نشده است؛ بنابراین گرایش به فاینانس نسبت به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتر است. اکنون مرحله حساسی از تاریخ اقتصاد کشور محسوب می‌شود و این حساسیت متقابلاً برای طرف خارجی نیز وجود دارد. بنابراین نباید انتظار داشت که به یک‌باره میزان سرمایه‌گذاری جهش قابل‌توجهی داشته باشد؛ ولی به اعتقاد کارشناسان سفرهای تجاری بعد از برجام، پیش‌زمینه خوبی برای تعاملات آینده محسوب می‌شود. آنچه از اطلاعات و آمار سرمایه‌گذاری‌ها بعد از برجام به‌دست آمده، نشان می‌دهد رغبت به سرمایه‌گذاری در حوزه‌های نفت، گاز و پتروشیمی در درجه اول اهمیت است و پس از آن حوزه مواد اولیه و معادن.

هرچند اقتصاد ایران طبق اهدافی که در برنامه جدید توسعه دولت نیز پیش‌بینی شده است بر کاهش وابستگی به نفت و به‌کارگیری بخش‌های اقتصادی دیگر از جمله خدمات تأکید دارد، بنابراین اگر در هر بخشی به‌طور مشخص طرح‌هایی وجود داشته باشد که پتانسیل جذب سرمایه‌گذار را داشته باشد و توجیه اقتصادی و فنی لازم را نیز دارا باشد و از بازگشت سرمایه آن اطمینان حاصل شود، می‌توان شاهد حضور سرمایه‌گذاران در بخش‌های دیگر نیز بود. حال در این میان این سوال مطرح است که دولت دوازدهم چه باید‌ها و نیاید‌هایی را در این حوزه باید مورد توجه قرار دهد؟ مستوفی در این زمینه این‌طور پاسخ می‌دهد: عضویت در سازمان تجارت جهانی (WTO) مستلزم پذیرفتن اصول و معاهدات متعددی است که مورد قبول کشورهای عضو قرار گرفته است و به کاهش فساد اقتصادی کمک می‌کند و این موضوع برای شرکت‌های تجاری به معنی اعتماد بیشتر به شرایط بازار و برای دولت‌ها به معنی انضباط دقیق‌تر است. با پیوستن به WTO به دلیل پایین آمدن ریسک سرمایه‌گذاری، راه برای ورود سرمایه‌های خارجی به کشور باز می‌شود. همچنین با ورود سرمایه راه برای ورود تکنولوژی مدرن با توجه به منابع موجود تولید در کشور باز شده و باعث پیشرفت کشور می‌شود. اقتصاد کشور نیاز به تدوین استراتژی صحیح و نقشه راه مشخص دارد. چه قبل از برجام، چه در زمان حال و چه برای آینده همیشه تأکید بر این بوده است که در کشور باید بسترهای سرمایه‌گذاری فراهم شود. برای فراهم شدن این بستر هم نیاز به مشخص کردن مزیت‌های نسبی هر استان در بخش‌های مختلف و دسته‌بندی طرح‌های سرمایه‌گذاری بر اساس آن است. در ایران معمولاً زمان زیادی صرف می‌شود تا دولت جدید اهداف و برنامه‌هایش را مشخص کند و به‌طور عملی زمام امور را به دست بگیرد.

گزارش صمت از نگاه تشکلهای به وزیر پیشنهادی روحانی برای صنعت، معدن و تجارت

تمهیدات وزیر برای همراه کردن بخش خصوصی

منیر حضوری: محمد شریعتمداری از نظر شخصیت سیاسی و اقتصادی از جمله افرادی است که مورد وفاق بیشتر جناحهای کشور است. به نظر می‌آید با پرونده و نام خوبی که بین فعالان اقتصادی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی دارد بتواند بالاترین رای اعتماد را در کابینه دوازدهم اخذ کند.

وزیر پیشنهادی صنعت، معدن و تجارت زمانی که در وزارت بازرگانی دولت اصلاحات بود با بخش خصوصی تعامل خوبی داشت. معروف است که جزو پرچمداران بخش خصوصی در اقتصاد بوده که هم بخش خصوصی را خوب می‌شناسد و هم از توان دولت و امکانات بیرونی آگاهی کافی دارد. امروز با اختیاری که شریعتمداری با حمایت همه‌جانبه مجلس شورای اسلامی، اتاق بازرگانی و بخش خصوصی به‌دست می‌آورد می‌تواند افکار خود را هم به راحتی اجرایی کند. درباره اینکه شریعتمداری چقدر می‌تواند از بخش خصوصی حمایت کند و اعضای اتاق بازرگانی برای رشد بخش خصوصی چه مطالباتی از او دارند با چند تن از اعضای اتاق بازرگانی به گفت‌وگو نشستیم.

خوشامدگویی بخش خصوصی به شریعتمداری

محمدحسین روشنگر، عضو هیات نمایندگان اتاق ایران در گفت‌وگو با صمت اظهار کرد: اگرچه درمان واقعی اشتباه بزرگ محمود احمدی‌نژاد درباره ادغام وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت فقط در انتزاع خواهد بود اما حال که این امر مهم به آینده محول شد بهترین گزینه‌هایی که حسن روحانی می‌توانست برای اداره وزارتخانه همه‌کاره صنعت، معدن و تجارت داشته باشد محمد شریعتمداری بود. رئیس‌جمهوری از مهره اصلی و کلیدی و موفق اجرایی خود برای مدیریت وزارتخانه سنگین صنعت، معدن و تجارت استفاده کرد که امید است انتخاب مهم و مفیدی برای فضای کسب و کار باشد. رئیس کمیسیون تجارت اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی خراسان رضوی با اشاره به اهمیت پست وزارت صنعت، معدن و تجارت ادامه داد: شریعتمداری باید بداند پست پرمخاطره‌ای به عهده او واگذار می‌شود چرا که در ۴ سال گذشته شیب مشکلات فضای کسب و کار در حوزه‌های تولید و تجارت به دلیل همان سال‌های طولانی تحریم‌ها تندتر شده است. به گونه‌ای که امروز چندین گره کور در این ریسمان به هم تنیده ایجاد شده که باز کردن هر یک از آنها همت همه دولت را می‌طلبد. به طور مثال نرخ تمام شده بسیار بالای تولید کالا و خدمات در کشور باعث بلندتر شدن دیوار تعرفه‌ها به بهانه حمایت از تولید داخلی شد تا جایی که بلندای دیوار تعرفه‌های ایران از بیشتر کشورهای جهان رفیع‌تر و سبب شد تا حجم قاچاق کالا با وجود ریسک بالا برای قاچاقچیان روز به روز افزایش یابد. این موضوع چرخه فعالیت بنگاه‌های تولیدی کوچک و متوسط که از واردات و قاچاق کالاهای مشابه ضربه می‌بیند را به دلیل فروش نرفتن و انبار تولیدات با مشکلات بیش از پیش مواجه کرده است. ضمن اینکه کشور در بسیاری از کالاها به جای مبدا صادرات به مقصد تولیدات دیگر کشورها مبدل شده که آمارها موید این امر است. روشنگر هشدار داد: محمد شریعتمداری باید توجه داشته باشد حمایت قابل توجه از بنگاه‌های بزرگ مانند خودروسازان دولتی و پتروشیمی در مقایسه با حمایت از واحدهای کوچک و متوسط و صادرات محور جواب مثبت نداد به ویژه که آقای وزیر پیش‌تر گفته بود آرزوی ادغام تجارت را داشته از این رو تجارت کاملاً به حاشیه رانده شد. بی‌اعتمادی صادرکنندگان به قول‌ها و تعهدات دولت کاهش صادرات را به همراه داشت که شایسته نبود. سیاست تثبیت نرخ ارز از سوی دولت هم چیزی جز جایزه به تولیدکنندگان خارجی و تنبیه تولیدکنندگان داخلی و صادرکنندگان کشور نبوده است. او تأکید کرد: تشکلهای بخش خصوصی چون اتاق ایران، کانون کارآفرینان، کمیسیون تجارت، اتحادیه‌های صادرکنندگان و واردکنندگان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی خراسان رضوی واقف هستند با بخش تجارت پاره‌پاره نمی‌شود با دنیا تعامل تجاری معقول برقرار کرد به همین دلیل باید هرچه سریع‌تر به کمک دولت و مجلس شورای اسلامی حوزه تجارت یکپارچه را پایه‌ریزی کرد. امیدواریم وزیر توانمند معرفی شده برای تولید و تجارت با سابقه اداره موفق حوزه تجارت بتواند در این مهم نقش موثری داشته باشد.

شریعتمداری به بخش خصوصی عنایت کند

علی عبداللہیان، عضو هیات مدیره اتاق مشترک ایران و سوئد در گفت‌وگو با صمت انتظارات خود را از وزیر پیشنهادی دولت دوازدهم مطرح و بیان کرد: ما از محمد شریعتمداری توقع داریم که متناسب با امکانات کشور و با توجه به بضاعت بخش خصوصی عنایت لازم را به این بخش داشته باشد. این عضو اتاق بازرگانی با مثبت دانستن پرونده شریعتمداری اظهار کرد:

خوشبختانه وزیر پیشنهادی ۴ سال خدمت در این مجموعه را در کارنامه خود دارد. به طور یقین این تجربه می‌تواند در موفقیت او در برنامه‌هایش موثر باشد. او هم بخش خصوصی را خوب می‌شناسد و هم از توان دولت و امکانات بیرون از کشور شناخت کافی دارد. عبداللّه‌یان تاکید کرد: با توجه به سنگینی کار وزارتخانه و تجربه ۴ سال گذشته اگر شریعتمداری یاران خوبی برای خود انتخاب کند، تقسیم کار درستی انجام دهد و هریک از یاران او احساس مسئولیت کنند می‌تواند گام‌های اساسی بردارد. او با گله از اینکه امروز حس مسئولیت اشخاص کمرنگ شده بیان کرد: اگر یاران شریعتمداری به او کمک کنند، می‌توان به آینده امیدوار بود. توجه به بخش خصوصی هماهنگ با نگاه رهبر معظم انقلاب در جهت مقاومتی کردن اقتصاد است. ما در حال گذر از یک مسیر سخت هستیم که امیدوارم به راحتی از آن عبور کنیم.

تعامل خوب با بخش خصوصی

مجیدرضا حریری، نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین در گفت‌وگو با صمت اظهار کرد: محمد شریعتمداری از نظر شخصیت سیاسی و اقتصادی از جمله افرادی است که مورد وفاق همه جناح‌های کشور است. به نظر می‌آید با این شناخت بتواند بالاترین رای را در کابینه بگیرد. او تاکید کرد: قدرتی که شریعتمداری با حمایت همه‌جانبه مجلس و بخش خصوصی به‌دست می‌آورد اجازه می‌دهد که بتواند افکار خود را راحت‌تر اجرایی کند. حریری با اشاره به سوابق مثبت شریعتمداری اظهار کرد: او زمانی که در وزارت بازرگانی دولت اصلاحات بود با بخش خصوصی تعامل خوبی داشت. معروف است که ایشان جزو پرچمداران بخش خصوصی در اقتصاد بوده‌اند. اکنون هم در برنامه‌های اعلامی‌شان این است که از بخش خصوصی حمایت کنند. نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین با اشاره به اینکه نباید انتظارات افسانه‌ای از وزیران پیشنهادی داشته باشیم گفت: در مجموع اراده و عزم جدی را در وزیر پیشنهادی صنعت، معدن و تجارت می‌بینیم اما سوال این است که آیا او به تنهایی می‌تواند همه امور را اصلاح کند؟ که در پاسخ باید گفت هرگز این‌گونه نیست. ما نباید از وزیرانی که انتخاب می‌شوند به ویژه آنهایی که رای اعتماد مجلس را دارند انتظارات بیش از حد داشته باشیم که بعد هم منجر به سرخوردگی‌مان شود. این عضو اتاق بازرگانی ادامه داد: شریعتمداری در حیطه وظایف وزارتخانه‌ای این استعداد را دارد که اعتماد بخش خصوصی را جلب کند اما اینکه فکر کنیم در این ۴ سال می‌شود تمام سابقه ۶۰ ساله اقتصاد رانتهی را در ایران ریشه‌کن کرد بعید است. او در پایان گفت: با اینکه جهت‌گیری او درست است اما باید منتظر شویم تا عملیات اجرایی‌اش را ببینیم. ما به عنوان مطالبه‌گران بخش خصوصی با کسی عقد اخوت نبسته‌ایم به طوری که رفاقت‌ها در مطالبات ما تاثیرگذار باشد. از طرف دیگر شریعتمداری می‌داند که از اعتماد و همکاری بخش خصوصی برای اجرای برنامه‌هایش برخوردار است اما اگر به مانعی برخورد توقع ما این است که به بخش خصوصی گزارش دهد که موانع چیست و برای رفع موانع از آنها کمک بگیرد.

روزنامه جهان صنعت / دوشنبه ۹۶/۰۵/۲۳ شماره ۳۷۰۴ صفحه ۳

دولت در سیاهچال نقدینگی

صفحه اقتصاد: «جهان صنعت»- حجم نقدینگی در کشور به رقم یک‌هزار و ۳۱۴ هزار میلیارد تومان رسیده است و روز به روز بزرگ و بزرگ‌تر نیز می‌شود. این میزان نقدینگی اگرچه به خودی خود نامطلوب نیست اما اگر در جهت تولید و توسعه اقتصاد ملی به کار گرفته نشود، همچون یک بمب ساعتی برای اقتصاد کشور خطرآفرین خواهد بود. به نظر می‌رسد دولت روحانی پس از عبور از سد بزرگ تورم ۴۰ درصدی و کنترل آن در طول سال‌های حضور خود، هم‌اکنون با چالش بزرگ‌تری یعنی کنترل نقدینگی و مقابله با رشد روزافزون آن در دولت دوازدهم مواجه خواهد بود؛ اقدامی که بی‌شک در صورت بی‌توجهی و عدم مدیریت مناسب می‌تواند به بحران عمیق و گسترده‌ای در بطن جامعه اقتصادی کشور منجر شود. کارشناسان اقتصادی بارها هشدار داده‌اند که حجم بالای نقدینگی، زنگ خطری برای اقتصاد ایران است و باید مراقب بود که این حجم عظیم نقدینگی به یکباره به سمت بازارهای غیرمولد، حرکت و اقتصاد ایران را دچار آسیب و خطر نکند؛ خطری که رخ دادن آن در صورت کاهش نرخ سود بانکی محتمل به نظر می‌رسد و اگر نرخ بهره بانکی توسط دولت و بانک مرکزی به صورت دستوری پایین بیاید، دور از انتظار نخواهد بود که سپرده‌های مردم از شبکه بانکی کشور خارج و به یکباره وارد بازارهای موازی همچون ارز و سکه شود که در نتیجه افزایش ناگهانی تقاضا می‌تواند باعث بروز تورم و افزایش قیمت‌های بازار به شکل غیرقابل کنترلی شود.

باید این نکته را در نظر داشت که رابطه تورم و نقدینگی دوسویه بوده و تاثیرگذار و تاثیرپذیر از یکدیگرند. بر این اساس افزایش نقدینگی اثرات تورمی بسیاری در جامعه به همراه خواهد داشت. این در حالی است که این افزایش اگر از کانال پایه پولی

باشد، اثرات تورمی قوی‌تری در مقایسه با افزایش نقدینگی از کانال ضریب فزاینده دارد در حالی که اثرات تولیدی آن ضعیف‌تر است. به عبارت دیگر افزایش نقدینگی از مسیر ضریب فزاینده هم آثار تورمی خفیف‌تری دارد و هم روی رشد اقتصادی اثر بهتری می‌گذارد. همچنین اگر قرار باشد نقدینگی از طریق رشد پایه پولی افزایش یابد، باید توجه شود که افزایش پایه پولی زمانی که از کانال دارایی‌های خارجی باشد، آثار تورمی و تولیدی بهتری در مقایسه با افزایش پایه پولی از کانال دارایی‌های داخلی به جا می‌گذارد به‌طوری که اثرات تورمی آن کمتر است و اثر انبساطی آن بر تولید نیز قوی‌تر است.

از دیگر سو باید گفت اثرات تورمی و تولیدی ناشی از افزایش نقدینگی از طریق ضریب فزاینده تا حد زیادی به این بستگی دارد که طی آن سهم پول افزایش یافته است یا سهم شبه پول چرا که رشد ضریب فزاینده وقتی به افزایش شبه‌پول منجر شود، فشار تورمی کمتری در پی دارد و اثر انبساطی آن بر تولید هم قوی‌تر است. این در حالی است که افزایش نقدینگی به وجود آمده در اقتصاد کشور، حاصل کسری بودجه و اضافه‌برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی یا اضافه‌برداشت دولت از بانک مرکزی است. اگر افزایش نقدینگی از طریق افزایش دارایی خارجی بانک مرکزی باشد، مناسب و مفید خواهد بود، اما اگر از طریق اضافه‌برداشت دولت، کسری بودجه و نیز اضافه‌برداشت بانک‌ها باشد، آثار تورمی به دنبال خواهد داشت و نتیجه مطلوبی در اقتصاد باقی نخواهد گذاشت. در واقع اگر نقدینگی از طریق افزایش دارایی خارجی باشد، مفید خواهد بود و باعث افزایش قدرت خرید مردم و رونق اقتصادی خواهد شد. اما اگر پایه پولی که از طریق افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی یا افزایش بدهی دولت به بانک مرکزی باشد، باعث ایجاد تورم در کشور خواهد شد و قدرت خرید مردم کاهش می‌یابد که در این شرایط شاهد مشکلاتی در برنامه‌های اقتصادی خواهیم بود.

زنگ خطر تورمی

گفتنی است در حال حاضر ۵۰ درصد نقدینگی هزار و ۳۰۰ هزار میلیارد تومانی در نظام بانکی قفل است و در گردش نیست. بخشی از این نقدینگی به تسهیلات اعطایی به انبوه‌سازان، ساختمان و مستغلات اختصاص یافته اما هنوز املاک ساخته‌شده از طریق این وام‌ها فروش نرفته است. از سوی دیگر بخشی از این ۵۰ درصد، مطالبات معوق و بدهی‌های پرداخت‌نشده دولت به بانک مرکزی و بانک‌ها را شامل می‌شود. بخشی نیز به مطالبات معوق تولیدکنندگان بازمی‌گردد؛ تولیدکنندگانی که به دلیل رکود حاکم بر تولید و اقتصاد کشور نتوانستند تولیدات خود را به فروش برسانند و بدهی‌های خود را به نظام بانکی بازگردانند. در واقع آمار و ارقام نشان می‌دهد بخش زیادی از نقدینگی در کشور در شبکه بانکی کشور قفل شده و به همین جهت تاکنون اثری روی تورم نداشته است. با این حال اگر نقدینگی به سمت تولید نرود و خروج از رکود شکل نگیرد، آسیب‌های جدی در طول چهار سال آینده دولت متوجه اقتصاد کشور خواهد شد. به بیان دیگر اگر رشد نقدینگی به صورت لجام‌گسیخته به سمت بخش‌های غیرمولد حرکت کند می‌تواند به یک بمب ساعتی تبدیل شود و بسیار خطرناک خواهد بود. در این بین به دلیل جذابیت بازارهای ارز و سکه از دیرباز در جامعه کشور، به نظر می‌رسد خطر هجوم یکباره نقدینگی به این بازارها قابل توجه باشد و در صورتی که برای آن راهکاری کارآمد در نظر گرفته نشود، می‌تواند تبعات منفی در قالب اثرات تورمی در جامعه به همراه داشته باشد که زنگ خطری برای دستاورد کنترل تورم در دولت یازدهم خواهد بود و تأثیرات منفی بر سیاست‌های اقتصادی که در ادامه و در دولت دوازدهم در نظر گرفته شده‌اند، خواهد داشت.

گزیده آمار

این در حالی است که مطابق جدیدترین آمارهای اقتصادی بانک مرکزی در خردادماه سال‌جاری، حجم نقدینگی به بیش از هزار و ۳۱۴ هزار میلیارد تومان رسیده است که این رقم نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲۴/۱ درصد رشد داشته است. بانک مرکزی با انتشار گزیده‌آمارهای اقتصادی در خردادماه سال‌جاری، حجم نقدینگی را بیش از هزار و ۳۱۴ هزار میلیارد تومان اعلام کرد که نسبت به اسفندماه سال گذشته ۴/۹ درصد و نسبت به مدت مشابه سال قبل (خرداد ۹۶ نسبت به خرداد ۹۵)، ۲۴/۱ درصد افزایش نشان می‌دهد. بر پایه این گزارش میزان دارایی‌های خارجی سیستم بانکی در خردادماه امسال ۵۸۰۴/۸ هزار میلیارد ریال اعلام شده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲/۲ درصد افزایش یافته است. در عین حال بدهی بخش دولتی در دوره مورد بررسی ۲۲۹۹/۵ هزار میلیارد ریال است که نسبت به خردادماه سال ۹۵ به میزان ۲۰/۶ درصد رشد یافته است. حجم پول در این دوره ۱۶۴۷/۱ هزار میلیارد ریال با ۲۰/۷ درصد نسبت به خردادماه سال قبل بوده و حجم شبه‌پول نیز با ۲۴/۶ درصد رشد، ۱۱۵۰۲ هزار میلیارد ریال است. طبق اعلام بانک مرکزی، بدهی بخش غیردولتی ۹۳۰۲/۳ هزار میلیارد ریال است که نشان‌دهنده ۲۲/۵ درصد رشد نسبت به مدت مشابه سال قبل بوده و نسبت به اسفندماه سال گذشته نیز

۱/۴ درصد رشد نشان می‌دهد .

خلاصه دارایی‌ها و بدهی‌های بانک مرکزی

میزان دارایی‌های خارجی بانک مرکزی در خردادماه سال‌جاری به ۵۲۴۶/۷ هزار میلیارد ریال رسید که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۴/۲ درصد افزایش نشان می‌دهد . همچنین بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی در دوره مورد بررسی نیز ۶۲۷ هزار میلیارد ریال است که نشان‌دهنده ۶/۳ درصد رشد است . بدهی‌های ارزی بانک مرکزی در خردادماه سال‌جاری ۱۵۵۶/۰ هزار میلیارد ریال اعلام شده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲/۲ درصد رشد داشته است .

وضعیت دارایی‌ها و بدهی‌ها

این گزارش حاکی است میزان دارایی‌های خارجی در بخش بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی با ۰/۳ درصد رشد نسبت به مدت مشابه سال گذشته به ۳۴۰۹ هزار میلیارد ریال رسیده و حجم اسکناس و مسکوک نیز با ۱۲ درصد رشد، ۷۰/۸ هزار میلیارد ریال است . سپرده بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی نزد بانک مرکزی با ۲۰/۱ درصد رشد به ۱۲۸۷/۵ هزار میلیارد ریال رسید . همچنین بدهی بخش غیردولتی نیز در دوره خردادماه سال ۹۶ با ۲۲/۸ درصد رشد، ۹۲۲۰/۶ هزار میلیارد ریال است . میزان دارایی‌های خارجی بانک‌های تجاری کشور نیز در خردادماه امسال ۳۵۰۰ هزار میلیارد ریال است که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۱۹/۹ درصد رشد نشان می‌دهد . سپرده بانک‌های تجاری نزد بانک مرکزی نیز ۲۷۹/۲ هزار میلیارد ریال بوده که ۲۸ درصد افزایش یافته است . جمع کل دارایی‌های بانک‌های تجاری در دوره مورد بررسی، ۳۹۵۴/۵ هزار میلیارد ریال بوده که نسبت به خردادماه سال ۹۵ دارای ۲۵/۵ درصد رشد است . همچنین بر پایه این گزارش، میزان دارایی‌های خارجی بانک‌های تخصصی در خردادماه سال‌جاری ۵۷۲/۸ هزار میلیارد ریال است که نسبت به دوره مشابه سال گذشته ۱۱/۷ درصد رشد یافته است. جمع کل دارایی‌ها و بدهی‌های بانک‌های تخصصی نیز در این دوره رقم ۴۵۰۰/۳ هزار میلیارد ریال است که ۱۳/۲ درصد رشد دارد.

روزنامه دنیای اقتصاد / دوشنبه ۹۶/۰۵/۲۳ شماره ۴۱۱۸ صفحه ۳

پیشنهادهای «نعمت‌زاده» به وزیر آینده صنعت

ایرنا: وزیر صنعت، معدن و تجارت در پایان آخرین جلسه هیات دولت یازدهم در جمع خبرنگاران درباره اولویت‌هایی که دولت دوازدهم باید در دستور کار قرار دهد، گفت: در زمینه صنعت و معدن باید حمایت منطقی و همه جانبه از تولید داخلی و اشتغال انجام شود. محمدرضا نعمت‌زاده ادامه داد: در زمینه تجارت، باید به صادرات توجهی ویژه داشت و موانع موجود در بخش‌های بین‌الملل، همچنین روابط بانکی و سیاسی باید رفع شود تا تجار و فعالان اقتصادی بتوانند کار کنند. این عضو کابینه دولت یازدهم تاکید کرد: تامین کالاهای داخلی که در دولت یازدهم به وفور انجام شده، باید کماکان با کیفیت و رقابت پذیری بیشتر تداوم یابد. نعمت‌زاده همچنین بر لزوم رسوخ فناوری‌های جدید و نوین در صنعت تاکید کرد و گفت: باید تا آنجایی که ممکن است صنایع کشور دانش بنیان شوند. وزیر صنعت، معدن و تجارت خاطرنشان کرد: خدمت‌رسانی اینجانب در بخش تولید ادامه خواهد یافت، زیرا از کودکی در همین بخش فعال بوده و یاد گرفته ام. نعمت‌زاده ادامه داد: اینجانب از حدود یک سال پیش از انقلاب اسلامی به‌عنوان یک سرباز کوچک در خدمت ملت بوده و هستم و تا زمانی که جان در بدن دارم به انجام وظیفه و ادای دین خواهم پرداخت.

روزنامه گسترش صمت / سه شنبه ۹۶/۰۵/۲۴ شماره ۸۳۹ صفحه ۴

ارتقای صنعت به‌عنوان اولویت اقتصادی برنامه ششم توسعه در دستور کار شریعتمداری قرار دارد

همراهی مجلس با وزیر برنامه محور

منیر حضوری :با توجه به اینکه یکی از نیازهای اساسی اقتصاد ما رونق تولید است باید گفت تولیدی می‌تواند موفق باشد که صادرات محور بوده و اصول و استانداردهای جهانی را رعایت کند.

از آنجا که صادرات مسئله‌ای است که در برنامه ششم توسعه هم به آن توجه شده، هر فردی که مسئول بخش صنعت و تجارت کشور باشد باید این مهم را ملاک اصلی کار خود قرار دهد. موضوعی که از سوی محمد شریعتمداری موردتوجه قرار گرفته است. بر همین مبنا پیش‌بینی می‌شود وزیر پیشنهادی صنعت، معدن و تجارت با همین رویکرد رای اعتماد مجلسی‌ها

را کسب کند. به باور کارشناسان، وزیر پیشنهادی دولت دوازدهم برای افزایش اشتغال و رشد تولید تا جایی که قدرت دارد باید واردات را طوری جهت‌دهی کند که در خدمت تولید و در جهت رشد صادرات باشد. دیگر زمان آن گذشته که با روش‌های سنتی و فناوری قدیمی تولید را پیش برد. برای رقابت در بازارهای منطقه‌ای و جهانی باید فکری اساسی کرد. در این بین کسانی در جنگ فروش کالای خود برنده می‌شوند که استانداردهای بین‌المللی را رعایت کنند و بتوانند بیشتر خود را با قوانین روز دنیا هماهنگ کنند. انتظار کارشناسان از وزیر صنعت، معدن و تجارت این است که به محصولاتی که عمرشان به پایان رسیده، الگوی جهانی را رعایت نمی‌کنند، پیوسته به دنبال رانت و امتیاز هستند، حاضر نیستند کیفیت خود را مطابق الگوی جهانی بهبود بخشند یا نمی‌توانند با خارجی‌ها همکاری داشته باشند و در مقایسه با صنایع پیشرو مقداری عقب مانده هستند، اجازه تولید ندهد. وزیر جدید باید یک‌سری شاخص‌ها و دلایل را برای اینکه چرا برخی از محصولات صنعتی ما از نظر کیفیت و نرخ رقابتی نیستند مورد بررسی قرار دهد تا در گردونه هستی ما هم نقشی بزنیم. در این شرایط هم کار رونق می‌گیرد و هم صادرات افزایش می‌یابد.

واردات برای تولید

یحیی آل‌اسحاق، عضو هیأت‌نمایندگان اتاق ایران در گفت‌وگو با صمت به لزوم مدیریت واردات و صادرات محور بودن اشاره کرد و گفت: این مسئله موضوعی است که از سال‌های گذشته وضع شده و درنهایت در قالب اقتصاد مقاومتی که خط اصلی سیاست‌های اقتصادی کشور مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، هر تولید و برنامه اقتصادی باید بر مبنای صادرات محوری باشد. این مهم هم مبنای قانونی و حقوقی دارد و هم اینکه در برنامه ششم به آن توجه شده است. بنابراین هر وزیری که مسئول بخش صنعت، تجارت و تولید کشور است باید صادرات محوری را ملاک اصلی کار خود قرار دهد. در تولید باید به مدیریت واردات به عنوان یکی از ضرورت‌های برنامه اقتصاد کشور اهمیت داد و واردات را طوری انجام که برای تولید و در جهت صادرات باشد. او تأکید کرد: استراتژی دولت جدید و وزیر پیشنهادی صنعت، معدن و تجارت باید توجه به اقتصاد مقاومتی و مدیریت واردات باشد به گونه‌ای که واردات برای تولید و در جهت صادرات باشد. این عضو هیأت‌نمایندگان اتاق ایران در ادامه به حوزه مدیریت تولید توجه و بیان کرد: محور ارائه مجوزها، حمایت‌ها و پشتیبانی‌هایی که از تولید می‌کنند باید این‌گونه باشد که تولید صادرات محور باشد. نوع تولید، خدمات پس از فروش و مدیریت آن باید براساس بازارهای صادراتی و نیازهای موجود شکل بگیرد. دیگر زمان آن گذشته که با روش‌های سنتی و فناوری قدیمی تولید را پیش برد چراکه تولید باید بتواند در بازار رقابتی منطقه‌ای و جهانی در جنگ کالا برنده شود. یحیی آل‌اسحاق در ادامه به اهمیت نقش وزیر پیشنهادی صنعت، معدن و تجارت اشاره کرد و گفت: نرخ کالای تولیدی، نوع محصول و جهت‌گیری‌ها باید به سمت مخاطب‌یابی و رقابت جهانی پیش برود. در این روند وزیر صنعت، معدن و تجارت نباید به محصولی اجازه تولید دهد که نتواند در بازار جهانی رقابت کند، نباید از محصولی حمایت کند که عمرش تمام شده است. وزیر صنعت، معدن و تجارت باید تعهد دهد واحدهای جدیدی که می‌خواهد به آنها مجوز دهد واحدهایی باشند که الگو و مدل آن جهانی و منطقه‌ای باشد. به طور مثال، دیگر عمر بخاری نفتی تمام شده درحالی که جهان همچنان به بخاری نیاز دارد بنابراین باید همه چیز با سطح فناوری جدید خود را همراه کند. بعد می‌بینیم که این کالا در داخل هم مقبولیت پیدا می‌کند.

محصولی را بیرون می‌دهیم که قابل رقابت نیست

او درباره لزوم بهبود کیفیت کالاهای ایرانی اظهار کرد: دردی که ما گرفتار شده‌ایم این است که محصولاتی تولید کرده‌ایم که نه در بازارهای صنعتی می‌تواند رقابت کند و نه در بازار داخلی. به طور مثال، لوازم خانگی درست می‌کنیم ولی از طرف دیگر جنس قاچاق به دلیل کیفیت، نرخ و فناوری بهتر به آن ضربه می‌زند و آن را به حاشیه می‌راند. نتیجه آن می‌شود که کارخانه آزمایش ورشکست می‌شود. درحال حاضر تمام واحدهای تولیدی لوازم خانگی به مشکل برخورده‌اند و بعد برای حمایت از آنها مجبور می‌شویم پشتوانه یارانه‌ای در نظر بگیریم. آل‌اسحاق ادامه داد: درحال حاضر ۲۰۰ واحد موتورسیکلت‌سازی داریم که سالی یک میلیون موتور به بازار تحویل می‌دهد. هرچند در این حوزه زیربنایی مثل سالن، زنجیره تولید، آب و گاز و... را داریم اما در نهایت محصولی تولید می‌کنیم که چندان طرفدار ندارد و مردم ترجیح می‌دهند موتور چینی و هندی بخرند و این‌گونه کارخانه‌ها به سمت ورشکستگی می‌روند. او به دلیل این موضوع اشاره کرد و گفت: متأسفانه محصولی که تولید می‌کنیم مربوط به ۲۰ سال قبل است گاهی حتی خود مسئولان محیط‌زیست می‌گویند اینها را باید تعطیل کنیم. بنابراین هنوز توانسته‌ایم محصول قابل رقابت در سطح جهانی و منطقه‌ای تولید کنیم.

افزایش اشتغال با راه‌اندازی بنگاه‌های تولیدی و خدماتی

مهدی پورقاضی، رئیس کمیسیون صنعت و معدن اتاق بازرگانی تهران در گفت‌وگو با صمت اظهار کرد: اگر دغدغه ما افزایش اشتغال باشد باید بدانیم که این مسئله بدون راه‌اندازی بنگاه‌های تولیدی و خدماتی امکان‌پذیر نیست. در این زمینه وزارت صنعت، معدن و تجارت باید به آنچه به واحدهای تولیدی مرتبط است، توجه کند. او با بیان اینکه حرف زدن فقط کافی نیست و باید در عمل هم کاری کرد، بیان کرد: گفتن اینکه ما صادرات‌محور باشیم کمکی به توسعه نمی‌کند چراکه همه واحدهای صنعتی آرزو دارند صادرات‌محور باشند اما موضوع این است که آنها در این زمینه ناتوان هستند. رئیس کمیسیون صنعت و معدن اتاق بازرگانی تهران با اشاره به وجود مشکلات و موانع برای صادرات‌محور شدن واحدهای صنعتی گفت: هر بخش صنعتی مشکلات خاص خود را دارد و با بخش دیگر کاملاً متفاوت است بنابراین باید وزارت صنعت، معدن و تجارت کاملاً به این مشکلات توجه و به آنها رسیدگی کند.

یک حکم عمومی نمی‌توان صادر کرد

مهدی پورقاضی با بیان اینکه مشکلات واحدهای صنعتی با هم متفاوت است، اظهار کرد: مسائلی که صنعت نساجی دارد با مشکلات صنعت لوازم خانگی متفاوت است و هر کدام راه‌حل خاص خود را می‌طلبد. بنابراین برای واحدهای مختلف از وزارت صنعت، معدن و تجارت انتظار داریم حکم واحد و عمومی صادر نکند. حکم عمومی را وقتی می‌توان صادر کرد که به نرخ بهره بانکی توجه کنیم که برای همه عذاب‌آور است. به عبارتی، هیچ‌کس نمی‌تواند با توجه به این نرخ بهره نرخ تمام‌شده خود را به صورت نرخ رقابتی درآورد. بروکراسی دولتی، وضع عوارض و مالیات درآمدها هم از جمله دیگر مشکلات عمومی هستند. رئیس کمیسیون صنعت و معدن اتاق بازرگانی تهران در ادامه از انتظار خود از وزیر پیشنهادی دولت دوازدهم سخن گفت و بیان کرد: هر کدام از مشکلات واحدهای تولیدی باید آسیب‌شناسی جداگانه شود. آنچه به طور مشخص به وزارت صنعت، معدن و تجارت مربوط است مسئله تحلیل و آسیب‌شناسی و تدوین استراتژی برای این واحدها است. او ادامه داد: به باور من، مشکل اصلی در مدیریت بخش صنعتی کشور است که وزیر جدید باید آن را آسیب‌شناسی کند. کاری که وزارتخانه و وزیر جدید باید انجام دهد این است که در هر بخش صنعتی یک سری شاخص‌ها و دلایل را بررسی کنند که چرا محصولات صنعتی ما از نظر کیفیت و نرخ رقابتی نیستند. آن موقع است که هم کار رونق می‌گیرد و هم صادرات افزایش می‌یابد. او ادامه داد: هر بخشی که بتواند مشکلات داخلی خود را حل کند و به یک مدیریت خوب و واحد برسد می‌تواند افزایش تولید داشته باشد. با توجه به اینکه در هر بخش صنعتی بنگاه‌های خوب و بد داریم در این بین باید به آنهایی که کارآمد هستند کمک کنیم تا تولید خود را بالا ببرند و بنگاه‌هایی که به شکل سنتی کار می‌کنند، پیوسته به دنبال رانت و امتیاز هستند، حاضر نیستند کیفیت خود را مطابق کیفیت جهانی بهبود بخشند یا نمی‌توانند با خارجی‌ها همکاری داشته باشند، در مقایسه با صنایع پیشرو مقداری عقب‌مانده هستند باید کمتر مورد توجه قرار بگیرند و به عبارتی، وقت گذاشتن روی آنها در فاز دوم باشد و پورقاضی تاکید کرد: باید در فاز نخست کمک‌ها و راه‌ها برای آنهایی که خودشان علاقه دارند روزآمد شود و در معیارهای جهانی قرار بگیرد فراهم شود تا بتوانیم به افزایش تولید و اشتغال کمک کنیم.

روزنامه جهان صنعت / سه شنبه ۹۶/۰۵/۲۴ شماره ۳۷۰۵ صفحه ۲

مثلت مشکلات اقتصادی

صفحه اقتصاد: گروه اقتصادی- با نزدیک شدن به زمان رای اعتماد به کابینه توسط مجلس شورای اسلامی، گمانه‌زنی‌ها در مورد چگونگی برنامه‌ها و صحبت‌های وزرای پیشنهادی برای تصدی وزارتخانه‌های دولت و در کنار آن نگرانی و انتقادات مردم و کارشناسان نسبت به برخی گزینه‌های معرفی شده در کابینه دولت دوازدهم قوت گرفته است، که از بازخورد اظهارات و تحلیل‌های کارشناسان می‌توان به صلاحیت یا عدم صلاحیت وزرای پیشنهادی در نظر جامعه کشور برای اجرای سیاست‌های اقتصادی کلان در دور دوم دولت حسن روحانی پی برد. از زمان بررسی صلاحیت وزرای پیشنهادی رییس‌جمهور در مجلس تا شروع به کار وزرای جدید در وزارتخانه‌های دولت، خواسته‌های بسیاری از سوی فعالان اقتصادی مطرح خواهد شد که به‌طور عمده به دنبال رفع موانع موجود و بهبود فضای اقتصادی کشور است. در قدم اول پیشنهاد اقتصاددانان به روحانی در چارچوب جداسازی فضای سیاست از اقتصاد است و توصیه آنها به ایجاد سازوکاری کارشناسی شده و مخالف با سیاسی‌کاری‌های بیهوده در اجرای برنامه‌ها و تصمیمات اقتصادی دولت دلالت دارد.

مورد دیگر که مورد توجه بسیاری از فعالان بازارهای اقتصادی کشور قرار دارد، بحث آزادسازی بازارهای پولی و بانکی و برداشتن کنترل‌های شدید روی بازارهاست که به دنبال حذف سیاست‌های غلطی که ظاهراً در جهت حمایت از مصرف‌کننده هستند ولی در واقعیت به تولید لطمه زیادی وارد می‌کنند و موجب افزایش رکود و بیکاری می‌شوند، هستند. شفافیت، انضباط مالی و مبارزه با فساد از دیگر محورهای مورد بحث کارشناسان است و در آن تأکید بر روشن شدن میزان دارایی‌ها و بدهی‌های دولت است که ضروری است قوه مجریه با پرداخت بدهی‌های خود، سعی در بازگرداندن سرمایه‌های مولد به بخش‌های اقتصادی کشور داشته باشد. این در حالی است که یکی دیگر از مهم‌ترین اولویت‌های دولت باید حول محور توجه به معیشت مردم و چاره‌اندیشی برای از بین بردن بیکاری و افزایش سطح رفاه آحاد جامعه قرار گیرد؛ موضوعی که در صورت عدم توجه به غیر از مشکلات اقتصادی، عواقب سیاسی- اجتماعی بسیاری را در پی خواهد داشت.

در این بین رفع مشکل بیکاری به برنامه‌ای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت نیاز دارد و باید بتوان از مسیری که برجام فراهم کرده برای رفع این مشکلات بهره گرفت و با استفاده از جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تغییر فرآیندها، بسترهای رشد تولید ملی و رونق اقتصاد را فراهم کرد. نرخ بیکاری که هم‌اکنون در کشور به یکی از ابربحران‌ها تبدیل شده است، دغدغه بسیاری از افراد جامعه و حتی سیاست‌گذاران است. موضوعی که برای حل آن راه‌حل‌های متفاوتی ارائه و اجرا شده است ولی تغییرات در این حوزه به حدی نامحسوس و کند بوده که نتوانسته پاسخگوی نیاز جامعه باشد.

ضرورت جراحی در اقتصاد کشور

آنچه در بسیاری از اظهارنظرها و صحبت‌های کارشناسان به چشم می‌خورد، لزوم یک جراحی اقتصادی برای اصلاح قوانین و مسیر حرکت دولت است که عزم رییس‌جمهور را برای حرکت به سمت توسعه بخش خصوصی و کم کردن حضور دولت و شرکت‌های دولتی در اقتصاد می‌طلبد. برای دستیابی به این موهب اول از همه نیاز به وزرا و مشاورانی متبحر و آشنا به علم اقتصاد و اوضاع اقتصادی کشور است و در ادامه باید به دنبال ایجاد همکاری و همگامی اعضای تیم اقتصادی دولت بود تا حرکت دولت به سمت توسعه از مسیر خود منحرف نشود. تلاش برای اصلاح نظام بانکی کشور نیز از مهم‌ترین اولویت‌های پیش‌روی دولت دوازدهم است و به نظر می‌رسد اتفاقاتی که در چهار سال گذشته رخ داد، فضا را برای اصلاحات ساختاری در اقتصاد آماده کرده است؛ از این‌رو می‌توان امیدوار بود که دولت دوازدهم بتواند این جراحی مهم را در سال‌های فعالیت خود به انجام برساند. یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی دولت در این زمینه، کاهش نرخ سود بانکی و هدایت جریان نقدینگی به سمت بازارهای مولد و اشتغال‌زاست. شرایط اقتصادی ایران امروز به هیچ‌وجه شبیه چهار سال گذشته نیست؛ اقتصاد امروز شرایطی باثبات‌تر از گذشته دارد و باثباتی نسبی روبه‌روست که نشانه‌های آن کاهش تورم و دستیابی به رشد اقتصادی پایدار طی فصول متوالی بوده است. در نتیجه در شرایط کنونی اقتصاد ایران نیازمند یک تیم توسعه‌گراست که از پس ایجاد رونق و تحریک در بازار به درستی برآید. اقتصاددانان کشور نیز در نشست‌ها و مصاحبه‌های خود به دنبال دادن هشدار به رییس دولت و اعضای کابینه هستند و ضمن برشمردن مشکلات و چالش‌های موجود، سعی در بهبود برنامه‌ها و تصمیمات سکانداران وزارتخانه‌های کشور دارند که نیازمند اصلاحات و بازنگری‌هایی در سیاست‌ها و اقدامات برخی از دولتمردان در چهار سال آینده است.

آمال و آرزو در برنامه‌ها

در این میان برخی از کارشناسان اعتقاد دارند در برنامه‌های اقتصادی وزرای معرفی شده به اصلی‌ترین مشکلات کشور کوچک‌ترین عنایتی نشده و با اشاره به لزوم ایجاد اصلاحات ساختاری و نهادی اذعان شده است که برنامه وزیران پیشنهادی بیشتر شبیه رویاست تا واقعیت. کارشناسان همچنین نسبت به عدم توجه به صنایع کوچک و متوسط و پایین‌دستی که صنایع خالق ارزش افزوده و ایجاد اشتغال هستند، چگونگی حل مشکلات و بحران‌های شبکه بانکی، چگونگی دستیابی به شفافیت در بازار کالا و نیز نوع نگرش برنامه‌ها نسبت به تورم، گلایه‌مند هستند. بر همین اساس فرهاد مومنی در نشست نقد و بررسی برنامه‌های تیم اقتصادی دولت به شرایط پیچیده و خطیر اقتصادی ایران اشاره کرد و گفت: اکنون با توجه به واقعیت‌های موجود هماهنگی در درون دستگاه‌ها وجود ندارد در نتیجه به تقویت نهادهای مدنی و تخصصی و همکاری رسانه‌ها نیاز داریم. وی درباره برنامه‌های ارائه شده از سوی تیم اقتصادی دولت ادامه داد: طرز تلقی حاکم بر برنامه‌های کاندیداها این است که ابتدایی‌ترین واقعیت موجود نادیده گرفته شده است. گویی دولت در آستانه فروپاشی مالی قرار ندارد و همچنان می‌تواند رانت توزیع کند و نیازی به تحولات جدی ندارد. مساله مهم دیگر این است که هیچ تحلیلی در این اسناد که در قالب برنامه وزرا منتشر شده است درباره چرایی شکل‌گیری بحران‌های موجود وجود ندارد و فقط یکسری اعداد و ارقام با آرزوها و شعارها به

چشم می‌خورد. همین‌طور هیچ سازوکار مشخصی وجود ندارد که چطور می‌توان به این اهداف رسید. مومنی بیان کرد: در جریان تبلیغات انتخاباتی هم اشاره کردم، برنامه اقتصادی از سوی حسن روحانی به لحاظ کیفیت کارشناسی با توجه به نیازهای کشور با خطاها و محدودیت‌هایی روبه‌رو است ولی هیچ‌یک از کاندیداها هم نسبت به توضیح شفاف آنچه وضعیت کشور است و آنچه رییس‌جمهور می‌خواهد انجام دهد، برنیامدند.

عدم همکاری سایر قوا با دولت

کارشناس اقتصادی اظهار داشت: اکنون از موضع نهاد تخصصی مدنی هشدار می‌دهیم که بنیه موجود در کل ساختار قدرت، هیچ نسبتی با مشکلات اقتصادی کشور ندارد. از سوی دیگر می‌بینیم که اکنون قوای دیگر برای حل مشکلات اقتصادی کشور با قوه مجریه همکاری نمی‌کنند چون مشکلات اقتصادی کشور را ماحصل تصمیمات اقتصادی قوه مجریه می‌دانند. مومنی ادامه داد: اکنون علائم نگران‌کننده از تسخیر ساختار قدرت وجود دارد. عده‌ای بیش از اینکه نگران منافع ملی باشند، نگران منافع کانون‌های توسعه‌ای قدرت و ثروت هستند. از سوی دیگر همزمان از گذار از دولت خام‌فروش به سمت دولت آینده‌فروش حرکت می‌کنیم. از سال ۱۳۶۸ تا امروز و به طور خاص از سال ۱۳۸۴ تاکنون می‌بینیم دولت به طور مرتب برای امور جدی خود بر وام‌گیری‌های داخلی و خارجی متوسل شده و مساله اساسی این است که دولت دیگر نفت فروشی‌اش برای امور جاری کفایت نمی‌کند و به وام‌گیری افتاده است، در حالی که میزان مسوولیتی که دولت در زمینه امور حاکمیتی دارد از میانگین جهانی پایین‌تر است. این کارشناس اقتصادی ادامه داد: در سال ۱۳۹۰ یعنی اوج درآمد نفتی، در حالی که میانگین اعتبارات جهانی برای آموزش پایه ۴/۴ درصد بوده در ایران ۲/۲ درصد بوده که این وضعیت خطرناک‌تر است. به این ترتیب کوتاه‌نگری‌ها آینده توسعه ملی را به خطر می‌اندازد. وی افزود: در دولت حسن روحانی به صورت شتابزده و غیر برنامه‌ای پرداخت‌های بیشتری برای سلامت اتفاق افتاد. با وجود این جهش دوپینگی، میانگین جهانی اعتبارات تخصیص یافته دولتی در حوزه سلامت شش درصد است در حالی که در ایران ۸/۲ درصد یعنی کمتر از میانگین جهانی است و این در شرایطی است که میانگین جهانی هرگز معیار مناسبی نیست. در این میانگین کشورهای خیلی بدتر و کشورهای خیلی بهتر هم لحاظ می‌شوند. مومنی خاطرنشان کرد: صمیمانه به رییس‌جمهور تذکر می‌دهیم که حل مسایل اقتصادی کنونی کشور با وجود بحران‌های متعدد به برنامه منسجم و جامع نیاز داریم و به ساختار قدرت هم تذکر می‌دهیم که عملکرد دولت روحانی به حساب کل نظام گذاشته می‌شود بنابراین این بینش که عده‌ای موفقیت دولت را شکست خود قلمداد می‌کنند درست نیست.

نقش کنگره آمریکا

همچنین عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه الزهرا با اشاره به عدم توجه برنامه‌های پیشنهادی به اصلاحات ساختاری و نهادی اعلام کرد: هیچ‌یک از برنامه‌های وزرا به اصلی‌ترین مشکلات کشور کوچک‌ترین عنایتی نداشتند.

حسین راغفر در نشست بررسی برنامه‌های وزرای پیشنهادی دولت دوازدهم اظهار کرد: بررسی آنچه در قالب برنامه از سوی وزرای پیشنهادی ارائه شده نشان می‌دهد که اغلب آنها به گرفتاری‌های اساسی کشور توجه نداشتند و برنامه‌های آنها مجموعه حرف‌های تکراری و کپی برنامه‌های وزرای قبل است. ما اکنون گرفتارهای اساسی داریم که این وزرا به آنها پاسخ نداده‌اند. وی افزود: اکنون سه گروه قوه مجریه، مقننه و بخش خصوصی با یکدیگر در تعامل دائمی و حافظ منافع این سه گروه هستند و به این ترتیب منافع عموم مردم قربانی می‌شود. این مجموعه عنوان اقتصاد رفاقتی دارد و مادامی که به این مساله پاسخ داده نشود، بسیاری از مسایل شوم مملکت ما برطرف نمی‌شود. وی ادامه داد: اکنون بسیاری از مشکلات کشور به خاطر این ائتلاف نامیمون است. مساله کارکردهای سه‌گانه اقتصاد رفاقتی این است که منابع بانک‌ها به دوستان و آشنایان وام داده می‌شود که منشأ فقر گسترده در کشور و منشأ ناآرامی‌ها و ناامنی در جامعه است. یکی از مصادیق اصلی ائتلاف نامیمون این است که افرادی از بخش خصوصی در بخش دولتی حضور دارند. در دولت یازدهم بیش از هر زمانی این مساله خود را نشان داد و در دولت دوازدهم تکرار می‌شود. راغفر گفت: می‌بینیم که متأسفانه مجلس این افراد را به عنوان امین مردم در بخش عمومی تایید می‌کند در حالی که در دنیای صنعتی یکی از جلوه‌های فساد وجود افرادی از بخش خصوصی است که در بخش دولتی فعالیت می‌کنند. متأسفانه می‌بینید که دولت گاهی از این موضوع به عنوان توفیق یاد می‌کند.

این کارشناس اقتصادی تاکید کرد: هیچ‌یک از برنامه‌های وزرا به اصلی‌ترین مشکلات کشور کوچک‌ترین عنایتی نداشتند. یکی از موانع بحث سلطه سرمایه‌های تجاری بر سیاست‌گذاری‌های کشور است. به این ترتیب صاحبان سرمایه سلطه دارند بر اینکه نفت چگونه به فروش برسد و توزیع شود و هیچ پاسخی به چرایی این شیوه توزیع و بازتوزیع وجود ندارد. از سوی دیگر همگی

سهم خلاقیت و سختکوشی را در افزایش درآمد ملی در نظر نگرفته‌اند. وی به وابستگی کشور به درآمدهای نفتی نیز اشاره و بیان کرد: در چنین شرایطی اقتصادی ما و گلوگاه آن در دست کنگره آمریکاست، تا زمانی که به شدت وابستگی به نفت داریم در معرض تهدید قدرتهای خارجی هستیم. با این وجود می‌بینیم که در هیچ‌کدام از برنامه‌ها اشاره‌ای به این مشکلات نشده است. راغفر ادامه داد: در برنامه‌های پیشنهادی اشاره‌ای به اصلاحات ساختاری و نهادی نشده است. اکنون اقتصاد رفاقتی ما منابع بسیاری را در قالب بارانه به بخش خصوصی تزریق می‌کند و به دنبال آن قیمت نهاده‌های انرژی مردم افزایش می‌یابد. در حالی که در هیچ‌کدام از این گزارش‌ها به این فسادها و رابطه بخش خصوصی و دولت و گروه‌های حامی این مناسبات اشاره نشده است.

تلاش برای افزایش نرخ تورم

این اقتصاددان تصریح کرد: امروز بزرگ‌ترین قوت دولت یازدهم فروش نفت است. باید دید که آیا این توفیق یا هنرمندی وزیر نفت بوده است. وزیر نفت یک‌سوم دوران بعد از انقلاب وزیر نفت بوده و متأسفانه شاهد هستیم که کره جنوبی قرارداد ۱/۶ میلیارد یورویی برای استخراج منابع نفتی ما می‌بندد، حال سوال این است که چه کسی باید پاسخگو باشد که بعد از ۱۰۰ سال تولید نفت، هنوز نیروهای کشور قادر نیستند مقدماتی‌ترین امور را در حیطه استخراج نفت به عهده گیرند. وی افزود: نکته قابل توجه دیگر این است که هیچ توجهی به صنایع کوچک و متوسط و پایین‌دستی که صنایع خالق ارزش‌افزوده و ایجاد اشتغال هستند، نشده است. همچنین هیچ اشاره‌ای به معضلات ساختاری کشور هم نشده است.

امروز از افزایش مالیات بر تولید هم حرف می‌زنند در حالی که در شرایط اقتصادی ایران فقط بنگاه‌های بزرگ پتروشیمی، فولاد و سیمان سود می‌برند و مالیاتی هم نمی‌دهند. این اقتصاددان بیان کرد: متأسفانه در این برنامه‌ها هیچ اشاره‌ای به مشکلات نظام بانکی و شفافیت در بازار کالا نشده است. همچنین فساد گسترده در فرآیندهای گمرکی به صورت بداظهاری و کم‌اظهاری خود را نشان می‌دهد. اکنون در مجموع مغایرت‌های گمرکی با چین و امارات نشان می‌دهد که قاچاق در ایران به صورت عمده رخ می‌دهد. عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه الزهرا گفت: موضوع حیاتی دیگر این است که امروز ۲/۵ میلیون واحد مسکونی خالی وجود دارد ولی مردم قادر به خرید نیستند و توضیحی در این باره که دولت چگونه می‌خواهد مساله مسکن را حل کند، وجود ندارد. امروز مساله مسکن سیاسی شده و مسکن از سبد هزینه خانوار کم‌درآمد خارج شده در حالی که در این برنامه‌ها تدبیری برای آن اندیشیده نشده است. راغفر درباره زمزمه‌های افزایش تورم بیان کرد: تورم همیشه برنده و بازنده دارد؛ در ایران هم به برنامه‌هایی نیاز داریم که تورم را کنترل و رشد ایجاد کند. تورم در ایران ریشه‌هایی دارد که یکی از ریشه‌هایش در نظام بانکی است که از نوآوری و خلاقیت حاصل نشده است. امروزه می‌بینیم عده‌ای دنبال افزایش قیمت ارز هستند و مرتباً هم می‌بینیم در رسانه‌های خود مطرح و افکار عمومی را آماده می‌کنند که افزایش قیمت ارز رخ دهد. چراکه از قبل این افزایش قیمت ارز و تورمی که به دنبال آن حاصل می‌شود، منفععی دارند.

روزنامه دنیای اقتصاد / سه شنبه ۹۶/۰۵/۲۴ شماره ۴۱۱۹ صفحه ۲

مرکز پژوهش‌های مجلس تحلیل کرد

هزینه‌های تغییر ساختار دولت

دنیای اقتصاد: هر از چندگاهی در کشور شاهد وقوع بحث‌های داغ در توجیه عدم توفیق دستگاه‌ها و در نتیجه تصمیم برای انتقال وظایف به دستگاه دیگر یا تغییر ساختار و انتظارات توفیق در مسوولیت‌های واگذار شده هستیم. روندی که در اکثر مواقع بدون در نظر گرفتن آرای کارشناسی و ریشه‌یابی در عدم توفیق دستگاه قبلی و چرایی وجود مشکلات ماندگار در این عرصه شاهد انتقال مجدد وظایف بوده‌ایم و همواره این تجمیع و تفکیک (قبض و بسط) ساختارهای اداری، هزینه‌های بسیاری را برای کشور دربرداشته است. با این شرایط می‌توان گفت در صورتی که قرار است در تشکیلات دولت بازنگری صورت گیرد، این بازنگری نه به صورت مقطعی و موردی، بلکه باید مبتنی بر نیازهای اساسی مردم و کشور باشد، زیرا هر از چند گاهی این تغییرات در شکل‌های مختلف تفکیک و ادغام بروز پیدا می‌کند؛ موضوعی که ریشه آن را باید در عدم هماهنگی دستگاه‌های اجرایی حول محور نیازهای واقعی مردم جست‌وجو کرد. بنابراین باید تغییر این نگرش و چینش تشکیلات اداری حول نیازهای اصلی و واقعی مردم به جای چینش بخشی که حاصل آن تامین منافع صرفاً بخشی و دستگاهی است، صورت گیرد. در گزارشی که از سوی «مرکز پژوهش‌های مجلس» گردآوری شده این نکته مورد تأکید قرار گرفته که برای اصلاح نظام اداری

ضروري است به جاي قبض و بسطهاي بي ثبات كننده و پرهزينه، تكاليف نظام اداري در يك نگاه بلندمدت (مثلا ۲۰ ساله) معين شود چرا كه بازي با ساختارها فقط نگراني و نااميدي نسبت به آينده ايجاد مي كند و به صلاح كشور نخواهد بود. از سوي ديگر براساس شاخصهاي اقتصاد مقاومتی، برای استفاده از ظرفيت هاي كشور در ايجاد زنجيره و تكيه بر توليد و تامين از داخل كشور بايد توليد، اشتغال و رشد ارزش افزوده هدف قرار گيرد؛ اين در حالی است كه تفكيك، سبب گسست در فرآيند زنجيره بازار مي شود، زيرا توليد در جايي و تجارت و تنظيم بازار در جاي ديگر صورت مي گيرد.

در اين خصوص مي توان به نمونه طرح انتزاع وظيف و اختيارات بخش كشاورزي از وزارت صنعت، معدن و تجارت و الحاق آن به وزارت جهاد كشاورزي اشاره كرد. طرحي كه با هدف تجميع امور مربوط به بخش كشاورزي در وزارت جهاد كشاورزي صورت گرفت، اما نحوه واگذاري وظيف ميان دو وزارتخانه موجب شد تا با انتزاع صورت گرفته شرايط برای رسيدن به آرامش در بازار به طور موقت فراهم شود و اجراي كردن آن دولت را با مشكلات و گرفتاري هاي بسياري روبه رو كند؛ برای نمونه گفته مي شود وظيفه مديريت توليد تا عمده فروشي با جهاد كشاورزي است و از عمده فروشي به بعد را وزارت صنعت، معدن و تجارت بايد مديريت كند؛ اين وضعيت، نوعي بي نظمي در تنظيم بازار ايجاد کرده است.

حال در اين گزارش كه به بررسي لايحه اصلاح بخشي از ساختار دولت با تاكيد بر پيامد آن بر بخش كشاورزي پرداخته علاوه بر ايرادات قيد شده، اين نکته نيز مورد تاكيد قرار گرفته است كه در دوره زماني چند ساله مي توان شاهد فراهم شدن مزايای طرح هاي انتزاعي بود. در طرح انتزاع وظيف و اختيارات بخش كشاورزي از وزارت صنعت، معدن و تجارت و الحاق آن به وزارت جهاد كشاورزي نيز اين نکته را بايد مدنظر قرار داد كه با توجه به شرايط تحريم در عمل، از اجراي تجميع بازرگاني در بخش هاي توليدي سه سالي بيشتر نگذشته (سه سال از شروع اجراي قانون تمرکز وظيف بخش كشاورزي در وزارت جهاد كشاورزي گذشته است)، اما اين مطالعه نشان مي دهد از منظر شاخص هاي كلان و خرد در تجميع وظيف در بخش كشاورزي شاهد تغيير رويكردهايي مانند «گره زدن واردات به صادرات، گره زدن افزايش توليد داخلي به واردات يك كالاي عمده وارداتي، محدوديت در مدت اعتبار و تمديد ثبت سفارش و نيز اعمال تعرفه هاي ترجيحي براي حمايت از خريد توليد داخلي در مقابل واردات» بوده ايم. از سوي ديگر، بهره گيري از سياست بازار در ازاي بازار نيز كه به دنبال انتزاع صورت گرفته مدنظر قرار گرفته است كه در زمينه تجارت به ويژه واردات و صادرات مي توان گفت كه نتايج قابل قبول بوده است، در اين خصوص مي توان به «مد نظر قرار گرفتن حمايت توأم از توليد كننده و مصرف كننده در تنظيم بازار، بهبود تراز تجاري بخش كشاورزي و كاهش كاملا محسوس انحراف معيار قيمت ماهانه (به عنوان شاخص نوسانات قيمت)» اشاره كرد.

از سوي ديگر چنانچه كل اقتصاد روستايي در نظر گرفته شود، رشد كشاورزي آثار خود را بر ديگر بخش هاي اقتصاد روستايي، بايد از طريق مجموعه اي از پيوندها محقق كند و آنچه مسلم است لازمه برقراري اين پيوندها و ارتباطات، برنامه ريزي و مديريت نظام مند و هماهنگ كسب و كارهاي كشاورزي است كه بايد توليدات كشاورزي در ساختارهاي كسب و كار جديد و به شكل حلقه هاي به هم پيوسته و ايجاد زنجيره توليد چه به شكل عمودي و چه افقي و حتي تلفيق آن با هم طراحي و اجرا شود تا كشاورزي از قاعده كشاورزي معيشتي به كشاورزي تجاري تبديل شود و با اين شرايط مي توان گفت لغو قانون تمرکز وظيف و اختيارات بخش كشاورزي اساسا برگشت به عقب و استمرار ناکارآمدی بازار محصولات كشاورزي همانند گذشته محسوب مي شود كه حذف اين موضوع از لايحه را ضرورت مي بخشد (مطابق ماده يك لايحه اصلاح بخشي از ساختار دولت به منظور توسعه بازرگاني داخلي و خارجي در اقتصاد كشور با تفكيك اهداف، ماموريتها و وظيف مربوط به امور بازرگاني از وزارتخانه هاي صنعت، معدن و تجارت و جهاد كشاورزي، وزارت بازرگاني تشكيل مي شود). همچنين تامين امنيت غذايي به عنوان يكي از وظيف اصلي در قانون وزارت جهاد كشاورزي گنجانده شده است و با اين شرايط قطعاً برنامه ريزي برای تحقق اين امر مهم فقط با نگرش جديد از كشاورزي مدرن كه توسط فائو تعريف شده و شامل توليد، فرآوري، نگهداري و توزيع محصولات كشاورزي يعني از مزرعه تا سفره مي شود، امكان پذير است. نکته قابل توجه اين است كه اين قانون نه تنها وظيف حوزه بازرگاني، بلكه وظيف مديريت صنايع فرآوري را نيز به عهده وزارت جهاد كشاورزي گذاشته كه با تصويب اين لايحه، عملاً وظيف مرتبط با صنايع تبديلي نيز به وزارت بازرگاني جديد منتقل مي شود. اين در حالی است كه ساختار وزارت بازرگاني نه در گذشته و نه در وضعيت جديد تناسبی با بخش كشاورزي و صنعت، آن هم از نوع فرآوري نداشته و نخواهد داشت.

همچنين با تصويب اين لايحه، شركت پشتيباني امور دام كشور كه به جز حدود دو سال در دوره دولت دهم هميشه يكي از شركت هاي زيرمجموعه جهاد كشاورزي بوده و وظيفه پشتيباني از توليدات دامی كشور و همچنين تامين بازار نهاده هاي

دامی، دام و پروتئین کشور را به عهده دارد به وزارت بازرگانی جدید منتقل می‌شود، از این رو روشن نیست که چگونه یک شرکت خارج از مجموعه صنایع دام و طیور می‌تواند پشتیبانی تولیدات دام و طیور کشور را برعهده گیرد. با توجه به موارد مذکور فعالان اقتصادی (حقیقی و حقوقی و به ویژه تشکلهای صنفی) در حوزه تولید اعم از صنعت و کشاورزی با جدا شدن حوزه بازرگانی و برگشت به گذشته مخالف و فعالان بخش تجارت و به ویژه واردکنندگان با این عمل موافق هستند. از سوی دیگر براساس بند «۱» لایحه مزبور مغایر بند «الف» ماده ۲۸ قانون برنامه ششم توسعه مبنی بر کاهش حجم، اندازه و ساختار مجموع دستگاههای اجرایی و کاهش سطح مدیریت، پستهای سازمانی، انحلال و اقدام سازمانها، موسسات و واگذاری آنها است، بنابراین از این حیث نیازمند دوسوم رای قانونگذار است.

پیشنهادهای

با توجه به گزارش منتشر شده این نکات نیز مورد تأکید قرار گرفته که پس از واگذاری امور تصدی گری به بخش غیردولتی می‌توان وظایف و موارد پوششی و موضوعات فرابخشی مرتبط با بازرگانی کشور (سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف کنندگان، نظام خرده‌فروشی و بخش اصناف) همچنین موارد مرتبط با دیپلماسی تجاری (سازمان توسعه تجارت) را در تشکیلات مستقل بازرگانی کشور یا تشکیلات ذیل وزارتخانه اقتصاد و دارایی قرار دهد. زیرا وجود سازمانهای پوششی برای کل تجارت خارجی کشور در یک ساختار بخشی، مانعی بر نقش فرابخشی آنهاست ضمناً این اصلاح ساختار؛ باید دربرگیرنده گمرک و بانک توسعه صادرات نیز باشد.

مساله بعدی که باید مورد توجه قرار گیرد این نکته است که در صورتی که قرار است در تشکیلات دولت بازرگانی صورت گیرد، این بازرگانی نه به صورت مقطعی و موقتی، بلکه باید مبتنی بر نیازهای اساسی مردم و کشور باشد، زیرا هر از چند گاهی این تغییرات در شکل‌های مختلف تفکیک و ادغام بروز پیدا می‌کند؛ موضوعی که ریشه آن را باید در عدم هماهنگی دستگاههای اجرایی حول محور نیازهای واقعی مردم جست‌وجو کرد. بنابراین تغییر این نگرش و چینش تشکیلات اداری حول نیازهای اصلی و واقعی مردم به جای چینش بخشی که حاصل آن تأمین منافع صرفاً بخشی و دستگاهی است، پیشنهاد می‌شود.

روزنامه گسترش صمت / چهارشنبه ۹۶/۰۵/۲۵ شماره ۸۴۰ صفحه ۴

کارشناسان در گفت‌وگو با صمت کمبود نقدینگی، نرخ سود بانکی، فناوری و کمبود تقاضا را مشکل نگاه‌های کشور دانستند

۴ اولویت دولت در بخش تولید و تجارت

منیر حضوری: از نگاه کارشناسان یکی از مهم‌ترین اولویت‌های وزیر پیشنهادی صنعت، معدن و تجارت باید توجه به نقش بانک مرکزی در ارتباط با حل مشکلات بانکی و تأمین نقدینگی باشد که به عنوان یکی از معضلات جدی در این حوزه هنوز وجود دارد. به عبارتی دولت و کل نظام باید در زمینه نرخ سود تسهیلات و نحوه در اختیار قرار دادن منابع مالی به تولید کشور به توافق و جمع‌بندی نهایی برسند. بحث دیگر ارتباط دوباره صنایع ما با آخرین فناوری دنیاست. متأسفانه در خیلی از موارد این مشکل را احساس می‌کنیم. مسئله دیگر نرخ تمام شده بالاست. یکی از مزیت‌ها و خصوصیات که وزیر پیشنهادی رئیس‌جمهور برای وزارت صنعت، معدن و تجارت را از دیگر افراد احتمالی این پست متمایز کرده ارتباط گسترده و علاقه‌مندی به بخش خصوصی است. کارشناسان ابراز امیدواری می‌کنند که با تصدی‌گری او فضای تولید به سمت و سوی بهتری پیش برود. با نگاهی اجمالی به پرونده کاری‌اش نمی‌توان او را فردی ناآشنا به فضای تولید معرفی کرد، امری که مورد توجه خیلی از کارشناسان است و به عنوان نقطه قوت وزیر پیشنهادی دولت دوازدهم تلقی می‌شود. شریعتمداری با داشتن سابقه طولانی در حوزه اجرایی و وزارت بازرگانی خیال خیلی‌ها را راحت کرده است. درباره اینکه بیشترین حوزه‌ای که وزیر جدید باید به آن توجه و به عبارتی سعی کند تا دردی را درمان کند و در ادامه مسیر وزیر قبلی که گام‌های بزرگی را در جهت حل مشکلات صنعت معدن و تجارت برداشت، باشد با اعضای اتاق بازرگانی گفت‌وگو کردیم.

آشنا به فضای تولید

کیوان کاشفی، عضو هیات ریسه اتاق ایران با حمایت از وزیر پیشنهادی صنعت، معدن و تجارت در حوزه‌های مختلف اظهار کرد: وزیر پیشنهادی دولت دوازدهم در حوزه صنعت، معدن و تجارت سابقه قدیمی دارد. او سال‌ها در وزارت بازرگانی و بخش اجرایی بوده بنابراین فردی نیست که با فضای تولید بیگانه باشد.

کاشفی تاکید کرد: یکی از مزیت‌ها و خصوصیات شریعتمداری ایجاد ارتباط و علاقه با بخش خصوصی است بنابراین ما روی این نقطه حساب می‌کنیم و امیدواریم با تصدی او فضا به سمت و سوی بهتری پیش برود. عضو هیات ریسه اتاق کرمانشاه با اشاره به اهمیت بخش صنعت گفت: اینجا حوزه‌ای است که خوشبختانه بین وزارت صنعت، معدن و تجارت و اتاق بازرگانی در بسیاری از موارد همراهی وجود دارد و هر دو بخش موضعی هماهنگ دارند بنابراین می‌توانیم شاهد همکاری‌های متقابل خوبی باشیم. کاشفی با اشاره به وضعیت تولید در کشور ادامه داد: امروز وضعیت تولید را همه می‌دانند و بارها از مشکلات این حوزه سخن گفته‌اند. عمده‌ترین آن مشکلات تامین نقدینگی فضای کسب و کار، وجود قوانین مختلف و دست و پاگیر و عقب‌ماندگی فناوری است که این چند سال باعث ارتباط محدود ما با دنیا شده است. به این ترتیب هنوز تا رسیدن به استاندارد جهانی خیلی فاصله داریم. او با توجه به اهمیت همه واحدها برای رشد و توسعه در کشور به چالش‌های موجود در کشور پرداخت و اظهار کرد: به نظر می‌آید اگر بخواهیم در حوزه تولید موفق باشیم نباید فقط از شریعتمداری انتظار داشته باشیم و همه کارهای درست را از وزارت صنعت، معدن و تجارت بخواهیم. گزینه‌های دیگر و عوامل مختلفی هم هستند که در بخش صنعت می‌تواند تاثیرگذار باشد. یکی از مهم‌ترین آنها نقش بانک مرکزی در ارتباط با حل مشکلات بانکی و تامین نقدینگی است که به عنوان یکی از معضلات جدی در این حوزه است. باور دارم که دولت و کل نظام باید در زمینه نرخ سود تسهیلات و نحوه در اختیار قرار دادن منابع مالی به تولید کشور به توافق و جمع‌بندی نهایی برسند.

عضو هیات ریسه اتاق ایران به مشکل بالا بودن نرخ تمام‌شده در ایران اشاره و اظهار کرد: بحث دیگر ارتباط دوباره صنایع ما با آخرین فناوری دنیا است. متأسفانه ما در خیلی از موارد این مشکل را احساس می‌کنیم. مسئله دیگر نرخ تمام شده بالاست که به بزرگترین مشکل تولید کشور تبدیل شده و به شدت هم احساس می‌شود. وقتی ما به بازارهای دنیا می‌رویم و خیلی از هیات‌ها هم وارد کشور ما می‌شوند به‌طور قطع اتفاق خوبی می‌افتد. باوجود محدودیت بانکی که در این چند سال داشته‌ایم خوشبختانه تعامل ما با دنیا به سمت مناسبی پیش رفته اما زمانی که به عقد قرارداد و مرحله اجرایی می‌رسد با بحث قیمت‌ها روبه‌رو می‌شویم که خوشایند نیست. متأسفانه در آن مرحله ما موفقیت چندانی به‌دست نمی‌آوریم چون نرخ تمام شده ما بالاست. درحالی که اکنون دنیا روی این کار می‌کند که بیشترین سهم را در پایین آوردن نرخ در بازارهای بین‌المللی داشته باشند. این یکی از چالش‌های بزرگ پیش روی ماست که باید به آن پرداخته شود. حل این مشکل بر حوزه‌های مختلف از حمل‌ونقل گرفته تا تامین نقدینگی تاثیر می‌گذارد. پیشنهاد من در این موارد به آقای شریعتمداری این است که کمیته مشترکی را با اتاق تشکیل دهد. او ادامه داد: متأسفانه روزبه‌روز بخش تولید ما فشار را بیشتر احساس می‌کند. زمانی مشکل تولید ما تنها هزینه بانک بود اما اکنون می‌بینیم که تامین اجتماعی، مالیات و همه چیز اضافه شده و هزینه را بر تولید تحمیل می‌کند. از طرفی چون مولفه‌های مختلفی بر افزایش نرخ تاثیرگذار است بنابراین باید گفت که کار به این آسانی پیش نمی‌رود و مشکل به این راحتی‌ها حل نمی‌شود. کاشفی در پایان گفت: یکی از مسائل دولت آینده پایین آوردن نرخ تمام شده است و مستلزم این است که خیلی از خطوط نوسازی از فناوری روز بهره‌مند شوند و بهره‌وری را افزایش دهیم.

لرزم دوری از عملکرد سلیقه‌ای

محمدرضا مازار اتابکی، عضو اتاق بازرگانی در گفت‌وگو با صمت اظهار کرد: اقتصاد ما از ریشه خراب است چراکه برخی افراد وقتی کشور با افزایش نرخ تورم روبه‌رو می‌شود خوشحالند زیرا از قبل آن نفع زیادی می‌برند در حالی که این اتفاق در هیچ جای دنیا نمی‌افتد. همچنین هنوز واحدهایی هستند که در اختیار بخش خصوصی قرار نگرفته‌اند و دولت تصدی آنها را در دست دارد که امیدواریم در دولت دوازدهم این مسئله مورد توجه قرار بگیرد. اتابکی در ادامه از توانمندی محمد شریعتمداری به عنوان وزیر پیشنهادی دولت حسن روحانی سخن گفت و بیان کرد: او فرد خوب و درستکاری است ولی نگرانی‌هایی درباره نقش‌آفرینی‌اش در حوزه صنعت وجود دارد چراکه بیشتر تجربه بازرگانی دارد تا کار صنعتی. آقای شریعتمداری بیشتر کار بازرگانی کرده و با این امر آشناست بنابراین دوری او از صنعت و معدن باعث شده کسانی که در صنعت فعال هستند نگرانی‌هایی داشته باشند. با اینکه او در بازرگانی فعال بوده و بر کار تجاری مسلط است اما همان‌طور که می‌دانید فضای صنعت گسترده است و نیاز دارد که در صورت به‌دست آوردن رای اعتماد از مجلس شورای اسلامی از معاونت‌هایی که بر این حوزه مسلطند استفاده کند. این عضو اتاق بازرگانی با تاکید بر اینکه وزارت صنعت، معدن و تجارت به یک فرد توانمند نیاز دارد اظهار کرد: وزارت صنعت، معدن و تجارت به یک فرد مسلط نیازمند است چراکه ۳ وزارتخانه مهم کشور را در برمی‌گیرد. به این ترتیب وزیر مربوط باید ثابت کند که توانمندی بالایی دارد و می‌تواند این کار را به نحو احسن انجام دهد.

اتابکی با اشاره به مشکل تولید در کشور بیان کرد: ما کشور مصرف‌گرایی هستیم و که بیشتر از چین وارد می‌کنیم به نحوی که تمام زندگی ما را کالای چین در بر گرفته است. این درحالی است که آن‌طور که باید و شاید از تولیدکننده داخلی حمایت نمی‌شود. البته نمی‌خواهم همه تقصیر را به گردن سیستم بیندازم؛ خود تولیدکننده داخلی هم ایراداتی دارد و گاهی سعی نکرده اصول و استانداردها را رعایت کند. باور دارم که برای حل مشکل تولید نباید مدام یک طرف را مقصر بدانیم بلکه هرکس به نوبه خودش سهمی دارد و در ایجاد این مشکل بی‌تقصیر نبوده است. من تولیدکننده باید به این باور برسم که در کشورم کاری انجام دهم و تا به این باور نرسم نمی‌توانم موفقیتی داشته باشم. او این مسئله را به ضعف فرهنگی در کشور گره زد و اظهار کرد: درست است که به خیلی از داشته‌هایمان از گذشته افتخار می‌کنیم که به حق هم است اما خیلی چیزها را زیر پا گذاشته‌ایم و جور دیگری عمل می‌کنیم. ما به راستی از نظر فرهنگی مشکل داریم و بشخصه با دیدن اینها زجر می‌کشم و بسیار ناراحت می‌شوم. این عضو اتاق بازرگانی به ضعف‌های قانونی در کشور اشاره کرد و گفت: تا زمانی که قانونمند نباشیم و قانون نقش پررنگی نداشته باشد سلیقه‌ای عمل می‌شود و هیچ کاری از پیش نمی‌رود. تا زمانی که برنامه بلندمدت نداشته باشیم هر کس پشت میز وزارت بنشیند با همه توانمندی‌هایش اما نمی‌تواند کاری از پیش ببرد. باور دارم که باید برنامه‌ای به کمک متخصصان تهیه شود و از مشاوران خوب کمک بگیریم و همه چیز را بلندمدت ببینیم نه اینکه هر وزیری سلیقه‌ای عمل کند و برنامه‌های مد نظر خود را تنها پیاده کند. او ادامه داد: فرق ما با کشورهای دیگر این است که آنها می‌پذیرند نمی‌دانند و در نتیجه از کشورهای دیگر مشاوره می‌گیرند و از راه‌های مختلف مثل ورود متخصص، دانش و فناوری نیاز خود را رفع می‌کنند اما ما هنوز باور نداریم که نمی‌دانیم و می‌خواهیم همه کارها را خودمان انجام دهیم که نتیجه این می‌شود که بیشتر حوزه‌هایمان ضعف‌هایی را دارد و همه به دنبال این هستند که فرزندان خود را به خارج از کشور بفرستند. به این ترتیب مشکلات کشور را باید ریشه‌ای حل کرد.

روزنامه جهان صنعت / چهارشنبه ۹۶/۰۵/۲۵ شماره ۳۷۰۶ صفحه ۳

نسخه جدید برای رونق

صفحه اقتصاد: «جهان صنعت»- اقتصاد ایران که چند سالی است با رکود دست و پنجه نرم می‌کند، چشم‌انتظار سیاست‌های جدید دولت برای بازگشت رونق است. روز گذشته روحانی هم در مجلس از کابینه دوازدهم دفاع کرد و گفت اگر مجلس به تیم اقتصادی دولت دوازدهم رای اعتماد دهد، دولت دوازدهم با رویکرد تازه به حل مشکلات اقتصادی خواهد پرداخت. گویا قرار است اصلاحات ساختاری در دستور کار فرمانده اقتصادی قرار گیرد و دولت دوازدهم برای سیستم بانکی که اصلاً حال خوبی ندارد، نسخه پیچیده تا با اصلاح نظام مالی تنگنای اعتباری بانک‌ها را رفع کرده و با برداشتن بار سنگین تامین مالی از روی دوش بانک‌ها، تامین مالی بنگاه‌های بزرگ را به بازار سرمایه سوق دهد تا بانک‌محور بودن اقتصاد ایران پایان یابد. پرواضح است که در شرایطی که نظام اقتصادی کشور بانک‌محور بوده و نقش بانک‌ها در آن بسیار پررنگ است، یا از طریق اصلاح شبکه بانکی می‌توان به نتیجه مطلوب رسید یا کم کردن بار مسئولیت بانک‌ها و منتقل کردن فرآیند تامین مالی به بازارهای دیگر همچون بازار سرمایه. این در حالی است که با وجود اهمیت غیرقابل انکار بازار سرمایه در اقتصاد کشور، متأسفانه این بازار در شرایط کنونی با مشکلات متعددی دست به گریبان است و از قدرت کافی برای بر عهده گرفتن مسئولیت تامین مالی صنایع و بخش‌های اقتصادی کشور برخوردار نیست. اگرچه برای دستیابی به رونق اقتصادی در جامعه نیاز بسیاری به نقش‌آفرینی بازار سرمایه احساس می‌شود اما با توجه به مشکلات فعلی آن، هم‌اکنون به نظر نمی‌رسد دولت بتواند این انتقال را انجام دهد لذا بهترین راهبرد اقتصادی تیم روحانی در دولت دوازدهم را باید در بحث اصلاح نظام بانکی جست‌وجو کرد. با توجه به تنگناها و بحران‌هایی که در بطن سیستم بانکی وجود دارد، برنامه اصلی دولت برای بازگرداندن شبکه پولی و بانکی به مسیر صحیح اقتصاد تنها از طریق اصلاح گسترده نظام بانکی و تجدید ساختار بانک‌ها صورت خواهد گرفت و در این میان برنامه دولت دوازدهم برای دستیابی به این امر بسیار مورد توجه و از حساسیت بالایی برخوردار خواهد بود.

راهبردهای اصلی دولت دوازدهم

بر همین اساس حسن روحانی دیروز در صحن علنی مجلس با بیان برنامه‌های خود برای دولت دوازدهم، بخشی از راهبردهای اقتصادی تیم خود را تشریح کرد. بر این اساس از دیدگاه رییس‌جمهور، اصلاح نظام بانکی از جمله مواردی است که باید به فوریت در دستور کار قرار گیرد بنابراین دولت برای این بخش برنامه‌ای مفصل تدارک دیده که دامنه آن، از اصلاح ترازنامه بانک‌ها،

افزایش سرمایه نظام بانکی، اصلاح نرخ سود بانکی تا برداشتن بار تامین مالی از دوش نظام بانکی و انتقال آن به بازار سرمایه کشیده شده است. آن گونه که رییس جمهور می گوید: بازار سرمایه باید تامین مالی اصلی بنگاه های بزرگ اقتصادی را به دوش کشد و در عین حال نظام بانکی مسوولیتی در برابر تامین کسری بودجه دولت، شهرداری ها و نهادهای عمومی نداشته باشد. به گفته او، رتبه بندی نظام بانکی شامل بانک ها و موسسات اعتباری در دستور کار قرار دارد. راهبردهای اصلی دولت دوازدهم برای نظام بانکی انجام اصلاحات معطوف به بودجه دولت نیست بلکه ترازنامه بانک های کشور نیازمند این اصلاحات است. ضعف در نظارت بانکی، گسترش موسسات غیرمجاز، سیاست گذاری نادرست پولی، تامین مالی دولت از طریق نظام بانکی، رونق کاذب در بخش مسکن و بنگاهداری بی ضابطه از سوی شبکه بانکی در دهه گذشته سبب شده امروز نظام بانکی کشور با مشکلات اساسی مواجه باشد. تجمیع این مشکلات خود را در نرخ های سود بالا و کاهش توان تسهیلات دهی بانک ها بروز داده است، پس نگاه دولت و حاکمیت به نظام بانکی به محل تامین منابع برای اجرای دولت و حاکمیت باید تغییر کند. برنامه دولت این است که بودجه خود را اصلاح کند ولی سیاست گذاری در مجلس شورای اسلامی و سایر نهادهای حاکمیتی باید به گونه ای باشد که بار تامین مالی کسری بودجه دولت، شهرداری ها و سایر نهادها بر عهده بانک ها نباشد.

اصلاح نظام بانکی با جدیت هر چه تمام تر ادامه می یابد و از طریق ایجاد نظام رتبه بندی برای بانک ها و موسسات مالی در کشور، برنامه اصلاح ساختار بانک ها به اجرا درخواهد آمد. در این رابطه افزایش سرمایه بانک ها نیز در دستور کار است. با توجه به اولویت موضوع اشتغال در افق میان مدت، بر اساس سیاست های دولت دوازدهم تامین مالی بنگاه های بزرگ از نظام بانکی به بازار سرمایه منتقل خواهد شد تا نظام بانکی بتواند خدمات گسترده تری برای تامین مالی بنگاه های کوچک و متوسط فراهم کند. رییس جمهور همچنین در مراسم رای اعتماد به وزرا، نقش ولی الله سیف را در اجرای برنامه های دولت به ویژه سیاست های راه و مسکن تاثیرگذار اعلام کرد. با توجه به تعریف و تشکر رییس جمهور از رییس کل بانک مرکزی در مراسم رای اعتماد به وزرا و نام بردن از وی در کنار ظریف و آخوندی که در کابینه دوازدهم نیز حضور دارند، این احتمال وجود دارد که سیف در کنار سایر مردان اقتصادی معرفی شده به مجلس، در دولت دوازدهم نیز حضور داشته باشد.

با این حال باید توجه داشت که تمام این راهبردها اگرچه روی کاغذ راحت و آسان به نظر می رسد اما اجرای اصلاحات گسترده در شبکه بانکی کشور فرآیندی نیست که یک شبه صورت گیرد و برای اجرای آن توجه و کار جدی وزرا و مسوولان اقتصادی کشور و یکپارچگی و هماهنگی در تصمیمات و اقدامات به شدت مورد نیاز خواهد بود. در این میان نقش وزرای معرفی شده در وزارتخانه های اقتصادی به ویژه وزارت امور اقتصادی و دارایی، بسیار پراهمیت خواهد بود و با توجه به حمایت روحانی از عملکرد وزرای پیشنهادی و البته مطالبات ریاست جمهوری از آنها به نظر می رسد عزم جدی برای پیاده سازی این سیاست های اصلاحی به کار گرفته شده است. روحانی نیز اولین خواسته خود از وزیر اقتصاد را مبارزه قاطع با پولشویی و فسادهای سازمان یافته در مسایل مالی، پولی و بانکی مطرح کرده و در اولویت دوم خود اصلاح مسایل بانکی و برنامه دولت برای افزایش سرمایه بانک ها به منظور رسیدن به استانداردهای جهانی را معرفی کرده است و به نظر می رسد مسعود کرباسیان به عنوان وزیر پیشنهادی اقتصاد در دولت آینده راه سختی را در این زمینه در پیش خواهد داشت.

لرزم تغییر در قوانین

در همین حال کامران ندری، کارشناس اقتصادی معتقد است اگرچه کرباسیان موفق شده در زمینه بهبود فرآیندهای گمرکی تحول جدی ایجاد کند اما اجرای اصلاحات و تحولات در ساختار اقتصادی کشور فراتر از دیدگاه های تکنولوژیکی است و تغییر در دیدگاه ها و قوانین کلان را می طلبد. او در گفت و گو با «جهان صنعت» گفت: در دوره ریاست کرباسیان در سازمان گمرک، فرآیندهای گمرکی کشور با بهبودهای چشمگیری مواجه شده و سیستم ها نو شده اند و این امر کاملاً مشهود است و بر کسی پوشیده نیست. ندری افزود: تغییرات صورت گرفته در خیلی از موارد منجر به کاهش تصمیم گیری های شخصی و فردی و در نتیجه افزایش شفافیت شده است که قابل انکار نیست. با این حال به نظر نمی رسد این مقوله در زمینه حل معضل فساد در اقتصاد ما کفایت کند و ایجاد اصلاحات در بطن اقتصاد، مساله ای جدی است که باید به آن عمیق تر نگاه شود. این کارشناس اقتصادی گفت: اگرچه استفاده از ماشین، دستگاه های الکترونیکی و نرم افزارها می تواند فرآیندها را بهبود بخشد اما از کفایت لازم برای ایجاد تغییرات بنیادین برخوردار نیست. به طور مثال در پیاده سازی بانکداری الکترونیک طی سال های اخیر در کشور، بهبودهای چشمگیری در زمینه نقل و انتقالات پولی ایجاد شده است اما این امر نتوانسته به بالا رفتن شفافیت در نظام بانکی کمک کند. وی افزود: در واقع ما با وجود الکترونیکی شدن بسیاری از فرآیندهای بانکداری، در زمینه مبارزه با پولشویی موفق

نبوده‌ایم و به نظر می‌رسد ایجاد بهبود و تحول در نظام اقتصادی کشور فراتر از دیدگاه‌های تکنولوژیکی و به کارگیری تجهیزات الکترونیکی و نرم‌افزاری است و تغییر در دیدگاه‌ها و قوانین ساختاری را می‌طلبد. ندی در ارتباط با اولویت رییس‌جمهور در رابطه با بهبود مسایل بانکی در کشور، اظهار کرد: طبق قانون، رییس کل بانک مرکزی با پیشنهاد وزیر اقتصاد مشخص و حکم وی از سوی شخص رییس‌جمهور صادر می‌شود، با این حال باید توجه داشت که وزیر اقتصاد به طور کلی در حوزه بانکداری نقش قابل توجهی ندارد و در این زمینه، ریاست کل بانک مرکزی از قدرت و اختیارات بیشتری برای انجام اصلاحات برخوردار است. این اقتصاددان خاطرنشان کرد: اگرچه وزیر اقتصاد در ارتباط با بانک‌های دولتی از قدرت اعمال نظر برخوردار است و مجامع عمومی بانک‌های دولتی توسط وزارت اقتصاد تعیین می‌شوند اما در رابطه با کل نظام بانکی، این بانک مرکزی است که اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند و از دست بازتری در این زمینه برخوردار است. ندی همچنین در خصوص حضور سیف به عنوان رییس کل بانک مرکزی در دولت دوازدهم، اعلام کرد: مشخص است که ولی‌الله سیف از جمله مدیران با سابقه و کارکشته در کشور است و یک سال دیگر از دوره ریاست وی باقی مانده است، با این حال تمدید یا عدم تمدید ریاست وی بستگی به تمایل خود سیف و البته شخص رییس‌جمهور دارد. وی افزود: با این وجود کرباسیان در زمینه ریاست بانک مرکزی اظهار نظر مشخصی نکرده است و نمی‌توان هم‌اکنون در این مورد قضاوت کرد.

خطر فروپاشی اقتصاد

همچنین تیمور رحمانی، عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه تهران می‌گوید دولت ناگزیر است دست به جراحی نظام بانکی زده، نرخ بهره بانکی را کاهش دهد و با تزریق پایه پولی بخشی از زیان بانک‌ها را متحمل شود، در غیر این صورت اقتصاد دچار فروپاشی خواهد شد. رحمانی درباره وضعیت تورم و پیش‌بینی‌های بازگشت تورم دو رقمی اظهار کرد: وضعیت تورم در آینده بیش از هر چیزی تحت تاثیر این است که دولت می‌خواهد با نظام بانکی چه کند. اگر دولت برنامه‌ای را برای کاهش نرخ بهره و اصلاح نظام بانکی در پیش نگیرد، اقتصاد دچار فروپاشی خواهد شد و در این صورت البته تورم در ۹ یا ۱۰ درصد باقی خواهد ماند. این اقتصاددان به ایسنا گفت: ولی اگر دولت بخواهد وضعیت نظام بانکی را سروسامان دهد، کاهش نرخ بهره اجتناب‌ناپذیر است؛ در این صورت دولت مجبور است پایه پولی تزریق کند، چون بانک‌ها تعهداتی که به صورت سپرده پذیرفته‌اند را نمی‌توانند پرداخت کنند و دولت مجبور است زیان آن را تحمل کند. در این صورت البته تورم افزایش خواهد یافت و دولت نیز به نظر من نباید نگران افزایش تورم باشد. وی در بخشی از سخنانش درباره نرخ بهره، اظهار کرد: دولت اکنون باید اصلاح نظام بانکی را در دستور کار قرار داده و نرخ بهره را پایین بیاورد. استمرار وضعیت کنونی منجر به آن خواهد شد که دولت با این بدهی سنگین دچار مشکلات جدی شده، بانک‌ها سقوط کنند و اقتصاد دچار فروپاشی شود. رحمانی در پاسخ به این سوال که در شرایطی که مقاومت جدی از سوی بانک‌ها برای کاهش نرخ بهره وجود دارد، دولت و بانک مرکزی چه کاری می‌خواهند انجام دهند، گفت: بانک مرکزی و دولت توقع دارند که بانک‌ها خودشان برای کاهش نرخ بهره اقدام کنند، در حالی که چنین نیست و سیستم بانکی به یک جراحی نیاز دارد و به همین سادگی‌ها هم رخ نمی‌دهد. عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه تهران تاکید کرد: البته منظور من این نیست که دولت و بانک مرکزی به صورت دستوری نرخ بهره را کاهش دهند، بلکه بانک مرکزی و دولت مجبورند بخشی از زیان بانک‌ها را برعهده گیرند و ترازنامه‌ها را سامان دهند و مانع از این شوند که بانک‌ها بر سر نرخ سود با یکدیگر رقابت کنند. اکنون موسسات مالی و اعتباری و بانک‌ها بر سر نرخ سود با یکدیگر به رقابت افتاده‌اند، در حالی که این اتفاق باید توسط بانک مرکزی جلوگیری شود. بانکی که دارایی ندارد چگونه می‌تواند بر سر نرخ سود با بانک‌های دیگر رقابت کند؟

روزنامه دنیای اقتصاد / چهارشنبه ۹۶/۰۵/۲۵ شماره ۴۱۲۰ صفحه ۲

موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی بررسی کرد

چهار واقعیت در عقبگرد صنعت

دنیای اقتصاد: پایین بودن سهم صنعت در خلق ارزش افزوده از کجا نشات می‌گیرد؟ بررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد چهار واقعیت «کاهش عمق تولید صنعتی، افزایش عدم توازن در رشد صنعتی، فقدان مشارکت صنایع در حلقه‌های بالای زنجیره ارزش و افزایش چسبندگی رشد صنایع (به ویژه مصرفی و نهایی) به بازار داخلی» در این زمینه اثرگذار است.

واقعیت‌هایی که موجب شده تا این بخش در خلق ارزش افزوده با چالش‌های بسیاری مواجه شود و به سهم اندک ارزش افزوده در تولید ناخالص داخلی بسنده کند. یوسف حسن‌پور کارسالاری، مدیر گروه پژوهش‌های بازرگانی خارجی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی در گزارشی با بررسی این عوامل، دو پیشنهاد نیز در راستای افزایش سهم بخش صنعت در اقتصاد پیشنهاد کرده است که در این خصوص می‌توان به «ایجاد آمادگی برای حضور بنگاه‌های ایرانی در حلقه‌های بالاتر زنجیره ارزش بنگاه‌های بین‌المللی» و «تقویت مشارکت بنگاه‌های داخلی در زنجیره ارزش صنایع بنگاه‌های بین‌المللی فعال در بازار ایران» اشاره کرد. عواملی که تقویت آنها می‌تواند این بخش را در تحقق هدف‌گذاری پیش‌بینی شده در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ یاری دهد. براساس سند چشم‌انداز برای بخش صنعت سهم ۱۸/۵ درصدی در تولید ناخالص داخلی مدنظر قرار گرفته و آنچه مسلم است برای تحقق رقم مذکور باید در ابتدای امر زیرساخت‌های مورد نیاز را فراهم کرد. براساس گزارش گردآوری شده و با توجه به داده‌های اعلام شده از سوی مرکز آمار سهم بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی (بدون نفت) در سال ۱۳۹۵ حدود ۱۶ درصد بوده، البته این سهم با درنظر گرفتن محصول ناخالص داخلی با نفت، نزدیک به ۱۴ درصد می‌رسد. با توجه به پایین بودن سهم صنعت در خلق ارزش افزوده، در جهت اتخاذ سیاست‌های احیای جایگاه واقعی صنعت توجه به چهار واقعیت مذکور الزامی به نظر می‌رسد.

واقعیت‌های اثرگذار

«کاهش عمق تولید صنعتی» را می‌توان یکی از واقعیت‌های افول سهم صنعت و کاهش عمق و چگالی تولید صنعتی در تولید ناخالص داخلی دانست. در این خصوص برون سپاری و جایگزین شدن واردات کالاهای واسطه‌ای با اقلام واسطه‌ای ساخت داخل و توسعه خطوط مونتاژ تولید در صنایع مصرفی از جمله دلایل قابل اشاره است. در سال ۱۳۷۰، ارزش افزوده ایجاد شده به ازای هر ۱۰۰ ریال تولید، نزدیک به ۳۸ ریال بود. این رقم در سال ۱۳۹۵ به کمتر از ۳۲ ریال رسید. همچنین سهم ارزش واردات کالاهای واسطه‌ای و اولیه به ارزش افزوده صنعتی طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۸۵ نزدیک به ۵۰ درصد بوده است. این درحالی است که در برخی از سال‌ها نظیر ۱۳۸۵ و ۱۳۹۱ حتی به بیش از ۶۰ درصد هم رسیده است.

از «افزایش عدم توازن در رشد صنایع» می‌توان به عنوان یکی دیگر از واقعیت‌های خلق ارزش افزوده طی دوره مورد بررسی یاد کرد. با توجه به این شاخص می‌توان گفت سهم بالای صنایع فرآیندی و واسطه‌ای (صنایع شیمیایی، پتروشیمی، فرآورده‌های نفتی، لاستیک و پلاستیک، کانی غیرفلزی و فلزات اساسی) در خلق ارزش افزوده صنعت، به نحو محسوسی افزایش و در مقابل سهم صنایع مصرفی و نهایی کاهش یافته است. از سوی دیگر دسترسی به انرژی و منابع ارزی حاصل از فروش نفت نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد تغییرات ساختاری بخش صنعت داشته است. سهم صنایع فرآیندی و واسطه‌ای در ارزش افزوده صنعت در سال ۱۳۷۰ معادل ۲۸ درصد بوده است. این رقم در سال ۱۳۹۲ به ۶۳ درصد و در سال ۱۳۹۵ نزدیک به ۶۰ درصد برآورد می‌شود. ضمن اینکه سهم صنایع واسطه‌ای از کل صادرات غیرنفتی از ۶۲ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۷۲ درصد در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ افزایش یافته و این درحالی است که سهم صنایع مصرفی و نهایی کاهش نشان می‌دهد. اما سومین عامل اثرگذار در خلق ارزش افزوده به «فقدان مشارکت صنایع در حلقه‌های بالای زنجیره ارزش جهانی» بازمی‌گردد. زنجیره ارزش بنگاه‌های بین‌المللی شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌های «تحقیق و توسعه، برندینگ، طراحی، تولید، توزیع، بازاریابی، فروش و خدمات پس از فروش» می‌شود. طی سال‌های اخیر هرچند صادرات صنعتی رشد قابل توجهی را تجربه کرده است، اما این صادرات عمدتاً در قالب قراردادهای بلندمدت با بنگاه‌های خارجی فعال در شبکه تولید جهانی نبوده است. مشارکت ایران در شبکه تولید جهانی در مقایسه با رقبای منطقه‌ای نظیر ترکیه و حتی عربستان بسیار ناچیز ارزیابی می‌شود. نزدیک به ۷۲ درصد از صادرات صنعتی ایران را کالاهای واسطه‌ای و اولیه تشکیل می‌دهد که واحدهای صنعتی صادراتی سهمی در زنجیره ارزش تولید شرکت‌های معتبر بین‌المللی در قالب قراردادهای کوتاهمدت و بلندمدت نداشته‌اند.

اما چهارمین واقعیت اثرگذار نیز به «افزایش چسبندگی رشد صنایع (به ویژه مصرفی و نهایی) به بازار داخلی» مربوط می‌شود. براساس این واقعیت «پایین بودن ریسک فروش محصولات نهایی به بازار داخلی، چارچوب نهادی ضعیف و غیرحرفه‌ای صادرات و فقدان استراتژی صادراتی» رشد تولید را محدود به اندازه بازار داخلی کرده است. براساس ارزیابی صورت گرفته درفاصله سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۳، به‌طور متوسط نزدیک به ۱۱ درصد از تولیدات صنعتی به بازار جهانی و عمدتاً به بازارهای پیرامونی صادر شده که از حیث اندازه ارزش افزوده می‌توان گفت صنعت کشور با توجه به جمعیت ۸۰ میلیون نفری سهمی نزدیک به

۵۲ میلیارد دلار داشته است. رقم مذکور برای بخش صنعت ایران در حالی ثبت شده که این رقم برای ترکیه با جمعیت ۷۹ میلیون نفری نزدیک به ۱۲۶ میلیارد دلار و برای عربستان با جمعیت ۳۲ میلیون نفری ۸۱ میلیارد دلار است.

دو پیشنهاد برای بهبود

حال با توجه به واقعیت‌های مذکور دو پیشنهاد برای بهبود سهم ارزش افزوده بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی مطرح شده است. یکی از پیشنهادها جهت افزایش سهم صنعت در اقتصاد به «ایجاد آمادگی برای حضور بنگاه‌های ایرانی در حلقه‌های بالاتر زنجیره ارزش بنگاه‌های بین‌المللی» مربوط می‌شود. با توجه به شرایط موجود در کشور تحقق این امر نیازمند تلاش همه‌جانبه و تقویت هماهنگی‌ها بین بدنه دولت و هماهنگی آن با بخش خصوصی است. در این باره می‌توان به تدوین سیاست‌های شفاف مدیریت خریدهای دولتی برای محصولات با نوآوری پیشرفته شرکت‌های داخلی، انتقال دانش و نوآوری استفاده شده در تولید محصولات نظامی به بخش صنعت (هماهنگی بین وزارت دفاع و وزارت صنعت)، تقویت مشارکت بنگاه‌های داخلی در زنجیره ارزش صنایع بنگاه‌های بین‌المللی فعال در بازار ایران از طریق اهرم مدیریت خریدهای دولتی از این شرکت‌ها و اهرم دسترسی به بازار داخلی و تقویت نهادی در محافظت از حقوق مالکیت برای بنگاه‌های نوآور داخلی اشاره کرد. دومین پیشنهاد به «نهادینه کردن فرهنگ نوآوری در صنعت» مربوط می‌شود. پویایی‌های صنعت و ایجاد قابلیت‌های نوآوری در بنگاه‌های داخلی نیازمند فرهنگ نوآوری، خلاقیت و پذیرش تغییر و ایده‌های جدید است. این مساله به فرهنگی برمی‌گردد که اندیشه‌پردازی را بین مدیران صنعت کشور تشویق کرده و پرورش می‌دهد و در نتیجه نوآوری ایجاد می‌شود. نوآوری در صنعت از طریق فرهنگ و ارزش‌ها و باورهای قدرتمندی ایجاد می‌شود که مدیران ارشد صنایع و سیاست‌گذاران کشور می‌توانند به واحدهای صنعتی تزریق کنند، در این باره نقش جامعه مدنی نظیر تشکلهای تولیدی و تجاری قابل توجه است.

روزنامه گسترش صمت / شنبه ۹۶/۰۵/۲۸ شماره ۸۴۲ صفحه ۴

گفت‌وگوی صمت با رئیس کمیسیون بازرگانی اتاق ایران

بازرگان ایرانی چگونه بازارها را از دست می‌دهد؟

منیر حضوری: یکی از مهم‌ترین بخش‌هایی که کمک می‌کند اقتصاد ما رشد کند توجه به بازار داخلی است. برای شکل‌گیری و رشد این بازار باید نخست نیازهای داخلی را بسنجیم. به عبارتی، اگر قصد داریم به رشد بازار داخلی کمک کنیم باید بازار را آزاد بگذاریم که نیاز آن به طور طبیعی شکل بگیرد و این مسئله راهنمایی برای تولیدکننده باشد که بداند چقدر تولید داشته باشد. وقتی تولیدکننده تمرین کند که بتواند کالای خود را به بازار داخلی بفروشد، درواقع توانسته نیاز داخلی را بسنجد، تقاضا را تامین و در گام بعدی نگاه خود را منطقه‌ای و بین‌المللی کند. بازار داخلی چه تاثیری بر رشد اقتصادی دارد و اینکه دولت دوازدهم برای تحریک این بازار از چه اهرم‌هایی باید استفاده کند، با خسرو فروغان رئیس کمیسیون بازرگانی اتاق ایران گفت‌وگو کردیم.

چقدر توجه به بازار داخلی بر رشد اقتصادی تاثیرگذار است؟

بازار داخلی را اگر بخواهیم تعریف کنیم باید گفت که هر گونه خرید و فروش و استفاده از کالا که در بخش بازرگانی داخلی نیاز افراد باشد از سوی بخش بازرگانی داخلی انجام می‌شود. یکی از مهم‌ترین بخش‌هایی که کمک می‌کند اقتصاد ما رشد کند همین بازار داخلی است. برای شکل‌گیری آن ما باید نخست نیازهای داخلی خود را بسنجیم و بعد با توجه به آن نگاهمان را صادرات‌محور کنیم. اگر قصد داریم به تولیدکنندگان و بازار داخلی کمک کنیم باید بازار را آزاد بگذاریم که نیاز به طور طبیعی شکل بگیرد و این مسئله راهنمایی برای تولیدکننده باشد که بداند چقدر تولید داشته باشد. وقتی تولیدکننده تمرین کرد که بتواند کالا را به بازار داخلی بفروشد، اگر توانست نیاز داخلی را با فرهنگ داخلی هماهنگ و مقدار مورد نیاز را تامین کند، در نهایت می‌تواند نگاه خود را منطقه‌ای و بعد بین‌المللی کند.

چقدر بازرگانی داخلی ما آسیب‌پذیر است و آیا ما آماده رشد هستیم؟

ساختار قانونی ما باید به شکلی باشد که بتوانیم بازار را به خوبی تنظیم کنیم. بحث تنظیم بازار، شناخت و توزیع کالا خیلی مهم است که متأسفانه در ایران ضعیف است. بیشتر مشکل صادرکنندگان ما در نظام توزیع است. به عبارت دیگر، ناکامی ما در توسعه صادرات خیلی عجیب نیست چرا که سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی منسجمی برای چنین امری نداشته‌ایم. در این روند توزیع‌کنندگان و فروشندگان ما و دستگاه‌هایی که با توزیع کالا ارتباط دارند خیلی شفاف نیستند. به تازگی هم تغییر بازار

سنتی به بازار کسب و کار نوین باعث شده در این زمینه هم نتوانیم خود را تطبیق دهیم. ما کشوری هستیم که بیشترین واحد صنفی یعنی حدود ۳ میلیون واحد داریم. اینها زمانی افزایش یافت که شهرداری‌های ما برای اینکه خودکفا شوند و بودجه‌ای هم نداشتند یکی از بهترین منابع درآمدی خود را در این دانستند که واحدهای تجاری بسازند و عوارض تجاری بگیرند در نتیجه برای تبدیل کاربری واحدها از مسکونی به تجاری اقدام کردند. مجوزهای پاساژها و مراکز اداری را دادند و در نتیجه شهر پر شد از مراکز تجاری طوری که بیشتر از نیاز بازار داخلی بود. از طرفی بسیاری از جوانان را هدایت کردیم که به دانشگاه بروند اما برای آنها رشته‌های مناسبی که نیاز کشور باشد را تعریف نکردیم. همه فقط خواستند به دانشگاه بروند و مدرک بگیرند بدون اینکه علاقه و احساس نیازی داشته باشند. بنابراین این جمعیت فارغ‌التحصیل شدند بدون اینکه کاری برای آنها در بازار داخلی در نظر گرفته شود. از طرف دیگر، بسیاری از کارکنان و بازنشستگان ما بعد از بازنشستگی دوباره مشغول به کار و وارد واحدهای صنفی شدند. حتی بعضی از کارکنان دولت برای تامین کمک‌هزینه‌های خود واحد صنفی ایجاد کردند در نتیجه واحدهای صنفی ما اشباع شدند. از طرف دیگر، ما می‌خواستیم خودمان را به جهان نزدیک کنیم و سریع به ایجاد فروشگاه‌های زنجیره‌ای روی آوردیم. نخستین فروشگاه بزرگ در قرن ۱۸ در لندن ایجاد شد و نخستین فروشگاه‌های زنجیره‌ای در آمریکا در ۱۳۰۰ش (۱۹۳۲ م) شکل گرفت. امروز از قدمت فروشگاه‌های زنجیره‌ای بیش از ۸۰ سال می‌گذرد و سهم آنها ۷۰ درصد است اما ما یک شبه و در مدت کوتاه تغییر ایجاد کردیم بدون اینکه شناخت کاملی از فروشگاه‌های زنجیره‌ای داشته باشیم. فروشگاه‌های ۴۰۰ متری را راه‌اندازی کردیم بدون اینکه استاندارد فروشگاه‌های بزرگ را در نظر بگیریم و این تعداد واحدهای صنفی زاید باعث شده بازرگانی داخلی ما آسیب ببیند و روز به روز ضعیف‌تر شود. این جریان‌ها باعث شده تولیدکننده ما آسیب ببیند و ساختار درونی جامعه بازرگانی ما به هم ریخته باشد. ما نه تنها براساس هیچ‌گونه استاندارد بین‌المللی حرکت نمی‌کنیم بلکه فقط با سلاهی بدون در نظر گرفتن مشکلات جامعه قوانینی را وضع می‌کنیم و آیین‌نامه‌هایی را می‌نویسیم.

پیشنهاد شما به دولت دوازدهم برای تحریک این بازار چیست؟

دولت باید پژوهش اساسی و کار پژوهشی کاملی را انجام دهد. مسئله این است که باید دستگاه‌ها با هم ارتباط نزدیک داشته باشند و همه با هم همسو باشند. به طور مثال یک وزارتخانه بخشی به نام مرکز اصناف و بخشی به نام بازرگانی داخلی دارد که در بحث فروشگاه‌ها و شرکت‌های پخش است و اینها هر دو زیرمجموعه یک جا هستند ولی تصمیم‌هایی که می‌گیرند مغایر یکدیگر است. هر کسی نظر خود را دارد و بخشی‌نگری زیاد است بنابراین هیچ‌گونه همبستگی و همکاری در کار نیست. این فقط وضعیت یک وزارتخانه است! تصور کنید اگر دو وزارتخانه بخواهند با یکدیگر همکاری کنند چه وضعی پیش می‌آید.

بدین ترتیب انتظار ما این است که هر چه سریع‌تر از این آشفتگی‌ها رها شویم و تمام دستگاه‌ها کنار هم قرار بگیرند، تخصصی کار کنند و هم‌افزایی داشته باشند نه اینکه مغایر هم باشند و با هم مخالفت کنند. همچنین باور داریم که باید تعریف جامع از بازرگانی داخلی شکل بگیرد. یکی از بزرگترین کارهایی که دولت دوازدهم می‌تواند انجام دهد این است که بخش خصوصی را قوی‌تر و دست بخش دولتی را در تصمیم‌گیری‌ها کوتاه کند. بیشتر مشکلی که واحدهای تولیدی ما دارند مربوط به نظام بانکی، امور تامین اجتماعی و مالیاتی و بیمه است. در نتیجه محصولات آنها با هزینه هنگفتی تولید می‌شود و از آنجا که بیشتر این واحدها مشکل مالی دارند برای صادر کردن اجناس خود نیازمند شناسایی و بررسی بازارهای هدف هستند که این امر هم موجب افزایش هزینه‌های آنها می‌شود.

با توجه به هزینه‌بر بودن بازاریابی در بازارهای هدف لازم است دولت برای این مهم اقدام کند و صندوقی برای کمک به این واحدها تشکیل دهد. البته به دلیل اینکه دولت با کمبود بودجه روبه‌رو است از کمک صادرکنندگان و تولیدکنندگان باز می‌ماند، در نتیجه این اقشار از شناسایی بازار و محصول متناسب با آن غافل شده و در نهایت این بازارها را از دست می‌دهند. سومین حرکتی که باید دولت انجام دهد در بحث رقابت‌پذیری است یعنی واحدهای مرتبط را باید در بخش بازرگانی داخلی فعال کند نه اینکه اجازه دهد برخی از رانت استفاده کنند و قوی‌تر باشند و دولت هم بگوید که رقابت‌پذیری در جریان است. هرگاه رقابت‌پذیری بدون رانت داشتیم آن وقت هنر است. به این ترتیب اگر بتوانیم در این زمینه تغییراتی دهیم شاید در آینده بتوانیم تکانی بخوریم.

نظام بانکی در گذر از بحران

آلبرت بغزیان-عضو هیات علمی دانشگاه تهران

هر آنچه به عنوان موسسات غیرمجاز در طول سالهای اخیر بروز پیدا کرده و در سطح جامعه گسترده شده تا به امروز تبعات منفی خود را بر پیکره اقتصادی کشور گذاشته است.

موسسات غیرمجاز زمانی که روی کار آمدند با وعده دروغین سودهای بالای خود سریعاً موفق به جذب حجم زیادی از منابع مالی مردم شدند و از طریق دادن وام، سرمایه‌گذاری در بازارهای سوداگرانه یا استفاده از منابع در جهت هزینه‌های جاری خود، این منابع را مصرف کرده‌اند. در نتیجه خواه‌ناخواه تأثیر منفی این فعالیت‌های مالی در شبکه بانکی و اقتصادی کشور بروز یافته است. آنچه پیش از این وجود داشت و فرآیند نظارتی و مدیریتی را برای سازمان‌های سیاستگذار اقتصادی، همچون بانک مرکزی سخت می‌کرد، عدم شفافیت در اطلاعات و وارد نشدن آمارها و داده‌های این گونه موسسات در منبع اطلاعاتی بانک مرکزی بود. در واقع می‌توان گفت پیش از این، حجم بالایی از نقدینگی یا موجودی سپرده‌ها به نوعی مفقود بود و آمارهای واقعی و صحیحی از آنها در دست نبود. حال می‌توان امید داشت با قرار گرفتن این موسسات در چتر نظارتی بانک مرکزی، آمارهای واقعی و شفاف از حساب‌های مالی و گردش نقدینگی در این موسسات به دست آید و در نتیجه سیستم بانکی از اثرات مثبت این اقدام در راستای بهبود شفافیت و مدیریت بهتر بانک مرکزی برخوردار خواهد شد. بنابراین حذف کامل غیرمجازها یا ادغام و زیر نظر قرار گرفتن آنها توسط یک بانک یا موسسه مالی و اعتباری مجاز می‌تواند اثرات و نتایج مثبتی برای اقتصاد کشور به دنبال داشته باشد. باید این نکته را در نظر داشت که با تعیین تکلیف سپرده‌های مردمی در موسسات غیرمجاز، حجم بالای نقدینگی خارج شده از حساب‌ها، به کدام بازارها سوق پیدا خواهد کرد که در این میان چند گزینه قابل تحلیل و بررسی است. در ابتدا افراد می‌توانند با اعتماد دوباره به شبکه بانکی و موسسات مالی و اعتباری مجاز، منابع مالی خود را در اختیار آنها قرار دهند و به نوعی شاهد حفظ این نقدینگی در شبکه بانکی و موسسات، زیر نظر بانک مرکزی خواهیم بود که نه تنها اثر منفی بر جای نخواهد گذاشت، بلکه نتایج مثبتی را نیز در پی خواهد داشت.

در واقع اگر فرآیند رسیدگی به حساب‌ها به شکل صحیحی انجام شود و ضمن مدیریت شایعات و مقابله با آنها توسط نهادهای دولتی و سازمان‌های مسوول از خطر هجوم یکباره مردم به بانک‌ها و موسسات برای دریافت پول خود جلوگیری شود، می‌توان انتظار داشت نقدینگی به شکل آهسته و کنترل شده به حساب‌های دیگری در موسسات و بانک‌های مجاز انتقال یابد که در نتیجه آن اثرات منفی خروج نقدینگی خنثی خواهد شد. در سوی دیگر، افراد می‌توانند با برداشتن پول‌های خود از حساب‌ها، منابع خود را به بازارهای دیگر همچون ارز و سکه انتقال دهند که البته این گزینه تا حدودی دور از ذهن به نظر می‌رسد زیرا اشخاصی که در موسسات مالی و اعتباری غیر مجاز دست به سپرده‌گذاری زده‌اند، به دنبال دریافت سودهای بالا و ریسک پایین هستند؛ در صورتی که در بازارهایی چون ارز، سکه یا بازار سرمایه میزان ریسک بالا بوده و مورد تمایل این افراد نخواهد بود. در واقع به نظر می‌رسد گزینه محتمل‌تر، رجوع سپرده‌گذاران به سمت بانک‌ها و موسساتی با ریسک پایین‌تر خواهد بود؛ هرچند میزان سود کمتری نصیب آنها شود اما به دلیل ریسک‌پذیری پایین‌تر این افراد، بازارهایی چون ارز جذابیت بالایی برای آنها نخواهد داشت و در نتیجه می‌توان به حفظ نقدینگی در شبکه‌ای زیر نظر بانک مرکزی امیدوار بود که در نهایت می‌تواند از بروز اثرات منفی بر اقتصاد ایران جلوگیری کند. «جهان صنعت»- با اتفاقات و حاشیه‌هایی که طی ماه‌های اخیر در خصوص موسسات مالی و اعتباری غیرمجاز در سطح کشور رخ داد، فضای اعتماد عمومی به شبکه بانکی کشور تا حدودی خدشه‌دار شد که نتیجه آن بی‌اعتمادی مردم نسبت به برخی بانک‌ها و موسسات مالی اعتباری بود؛ این اتفاقات نه تنها فعالیت موسسات مجاز را با آشفتگی همراه و عرصه را بر فعالیت آنها تنگ کرد، بلکه باعث کشیده شدن بحران به کل سیستم بانکی و فضای اقتصادی کشور نیز شد که اقتصاد کشور را وارد باتلاق خطرناک کرده است. جنجال‌ها و اعتراضات مردم نسبت به سپرده‌هایی که در خطر از دست رفتن بودند، کار را به جایی رساند که بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و حتی قوه قضاییه به مساله ورود پیدا کردند و درصدد حل و فصل ماجرا برآمدند، اما گستردگی بحران به حدی بود که نه تنها تعیین تکلیف سپرده‌ها را با دشواری جدی مواجه می‌کرد، بلکه منجر به سرایت بیماری غیرمجازها به موسسات مجاز نیز شد و در این شرایط رییس کل بانک مرکزی با وعده بسته شدن پرونده غیرمجازها تا پایان سال، یعنی ظرف هفت ماه آینده، به دنبال آرام کردن فضای عمومی کشور نسبت به شبکه بانکی و موسسات مالی وارد میدان شد و آنطور که اعلام شده تا پایان سال دیگر هیچ

موسسه غیرمجازی نخواهیم داشت. نکته قابل تأمل این است که با ساماندهی غیرمجازها حجم بالایی از نقدینگی که در طول سال‌های گذشته در این موسسات حبس شده بود روانه بازارهای موازی همچون ارز، سکه یا مسکن خواهد شد که اگرچه می‌تواند رونق را به اقتصاد بازگرداند اما خطر بازگشت تورم را به واسطه هجوم یکباره سرمایه‌ها به این بازارها به همراه خواهد داشت. برخی کارشناسان نیز یکی از دلایل اصلی افزایش نقدینگی در طول سال‌های گذشته را به همین موسسات مالی و اعتباری که به صورت قارچ‌گونه ظرف چند سال پدید آمدند، نسبت می‌دهند که در نتیجه هم‌اکنون مدیریت جدی را برای کنترل این حجم از نقدینگی جهت جلوگیری از آشفته‌گی دیگر بازارها می‌طلبند. از سوی دیگر باید این نکته را در نظر داشت که با اتخاذ سیاست‌های خروج از رکود دولت که پیش‌شرط اصلی آن پایین آمدن نرخ سود بانکی در کشور است، حجم بالایی از نقدینگی از شبکه بانکی خارج و به بازارهای دیگر وارد می‌شود که زنگ خطر تورمی را برای دولت به صدا در می‌آورد زیرا افرادی که تا دیروز در حال دریافت سودهای ۲۰ تا ۳۰ درصدی و بعضاً بالاتر از آن بوده‌اند، دیگر حاضر نخواهند بود سپرده‌های خود را در بانک‌های دولتی با نرخ‌های بهره ۱۵ درصدی به امانت بگذارند. در این شرایط بازارهای سرمایه، ارز و سکه، مسکن و مواردی از این دست می‌توانند پذیرای حجم بالای نقدینگی خارج شده از بانک‌ها باشند اما عدم وجود سازوکار نظارتی و کنترلی صحیح در چنین بازارهایی خود منجر به بروز مشکلات و تبعات بعدی خواهد شد. در نتیجه می‌توان گفت فضای اقتصادی کشور که در راس آن شبکه بانکی قرار دارد، در یک باتلاق تصمیم‌گیری قرار گرفته است و هر اقدامی از جمله ساماندهی موسسات غیرمجاز می‌تواند به عنوان یک حلقه از زنجیره به هم پیوسته بخش‌های اقتصادی کشور، تأثیرات مثبت و منفی دوجندانی را بر دیگر حلقه‌های این شبکه از جمله بازار سرمایه، فضای کسب‌وکار، صنعت و بازارهای پولی و مالی داشته باشد.

نقش موسسات مجاز

با این حال آنچه اکنون می‌تواند تا حدودی مدیریت بازار را برعهده بگیرد و خطر خروج یکباره سپرده‌ها از شبکه بانکی کشور را از بین ببرد در دست موسسات اعتباری مجاز است، این موسسات اگر موفق شوند بار دیگر اعتماد سپرده‌گذاران را برگردانند می‌توانند نقش مثبتی در زمینه مدیریتی بازار ایفا کنند و دور باطل موسسات غیرمجاز را به پایان برسانند. در واقع اگر وعده‌های بانک مرکزی مبنی بر حذف غیرمجازها از جامعه کشور تا پایان سال محقق شود، موسسات اعتباری مجاز به راحتی می‌توانند در این عرصه فعالیت کرده و جذب سپرده داشته باشند؛ چراکه سره از ناسره به خوبی قابل تشخیص است و اگر بانک مرکزی پرونده موسسات اعتباری غیرمجاز را ببندد، آنگاه آنها می‌توانند دوباره تلاش کنند که مردم سپرده‌های خود را با اعتماد کامل به این موسسات بسپارند. کارشناسان بانکی نیز بر این باورند که موسسات اعتباری مجاز از این پس، اگرچه فصل سختی را پیش‌رو دارند و باید دوباره اعتماد از دست رفته به موسسات اعتباری را بازگردانند، اما می‌توانند به ادامه مسیر هم امیدوار بوده و تلاش کنند که در این بازار، طبق ضوابطی عمل کنند که آنها را در راس انتخاب سپرده‌گذاران قرار دهد. در این مسیر، ولی‌الله سیف که تنها یک سال دیگر از دوره ریاستش در بانک مرکزی باقی مانده، اگرچه از محبوبیت مناسبی بین سپرده‌گذاران موسسات حاشیه‌ساز این مدت برخوردار نیست، اما با توجه به صحبت‌های رییس‌جمهور و چپش اعضای کابینه ی دولت دوازدهم به نظر می‌رسد در دوره ی آینده هم بر مسند ریاست این بانک حاضر خواهد بود. پیا این حال سیف برای این که به وعده ی خود عمل کند تنها هفت ماه دیگر فرصت دارد و باید دید آیا می‌تواند امسال پرونده موسسات اعتباری غیرمجاز را ببندد و به عمرشان خاتمه دهد یا خیر؟

سپرده‌گذاران ضابطان موسسات اعتباری

با تمام این تفاسیر می‌توان در نظر داشت که فصل گشایش برای موسسات اعتباری مجاز آغاز شده است؛ موسساتی که به دلیل بانک نبودنشان، نامشان به موسسات اعتباری غیرمجاز هم گره خورده است و به‌طور قطع، راه سختی را برای بازگشت دوباره اعتماد به مردم در پیش دارند؛ حال آنها هستند که باید یک بار دیگر، فضا را آرام کرده و با ارایه توانمندی‌هایشان، مصمم باشند که یک بار دیگر، نام خود را با اعتماد در این بازار گره بزنند. البته سپرده‌گذارانی که با وسواس، پرونده بانک‌ها و موسسات اعتباری را رصد می‌کنند، به خوبی می‌دانند که تفاوت موسسات اعتباری مجاز و غیرمجاز چیست و حتما هم سری به سایت بانک مرکزی زده‌اند تا اسامی موسساتی را که می‌خواهند پول‌شان را در اختیار آنها بگذارند، ببینند. آنها به خوبی می‌دانند که موسسات اعتباری مجازی که زیر پرچم نظارتی بانک مرکزی همواره قرار داشته و ضوابط را رعایت کرده‌اند، در آشفته‌بازار مشکلات موسسات اعتباری غیرمجاز، سرپرستی و کفالت سپرده‌گذاران موسسات اعتباری غیرمجاز را به عهده

گرفته و تلاش کردند که پول سپرده‌گذاران را به موقع به آنها برگردانند. بانک مرکزی هم برای آنها ضوابطی قرار داده و بر این باور است که موسسات اعتباری مجاز هم می‌توانند در کنار بانک‌ها، شرایط را برای مشارکت بیشتر مردم در طرح‌های اقتصادی و تامین مالی فراهم کرده و سپرده‌هایی را جذب کنند که به‌طور قطع، بودن‌شان در نظام بانکی و مجموعه نظام‌های مالی کشور به مراتب بهتر از سرگردانی پول‌هایی است که ممکن است بر هم‌زننده ساختارهای اقتصادی کشور باشد و تورم را بالا برند یا وارد بازار ارز شده و مشکل‌آفرینی کنند.

بانک‌ها و موسسات اعتباری شناسنامه‌دار کدامند

براساس آنچه بانک مرکزی به صورت رسمی در سایت خود اعلام کرده، بانک‌های استاندارد چارتر(بانک خارجی)، بانک آینده (بانک غیردولتی تجاری)، بانک اقتصاد نوین (بانک غیردولتی تجاری)، بانک انصار(بانک غیردولتی تجاری)، بانک ایران‌زمین (بانک غیردولتی تجاری)، بانک پارسیان (بانک غیردولتی تجاری)، بانک پاسارگاد (بانک غیردولتی تجاری)، بانک تجارت (بانک غیردولتی تجاری)، بانک تجارتی ایران و اروپا (بانک خارجی)، بانک توسعه تعاون(بانک دولتی تخصصی و توسعه‌ای)، بانک توسعه صادرات ایران (بانک دولتی تخصصی و توسعه‌ای)، بانک حکمت ایرانیان (بانک غیردولتی تجاری)، بانک خاورمیانه(بانک غیردولتی تجاری)، بانک دی (بانک غیردولتی تجاری)، بانک رفاه کارگران (بانک غیردولتی تجاری)، بانک سپه (بانک دولتی تجاری)، بانک سرمایه (بانک غیردولتی تجاری)، بانک سینا (بانک غیردولتی تجاری) و بانک شهر (بانک غیردولتی تجاری)، دارای مجوز از بانک مرکزی هستند. همچنین نام بانک صادرات ایران (بانک غیردولتی تجاری)، بانک صنعت و معدن (بانک دولتی تخصصی و توسعه‌ای)، بانک قرض‌الحسنه رسالت (بانک غیردولتی قرض‌الحسنه)، بانک قرض‌الحسنه مهر ایران (بانک غیردولتی قرض‌الحسنه)، بانک قوامین (بانک غیردولتی تجاری)، بانک گردشگری (بانک غیردولتی تجاری)، بانک مسکن (بانک دولتی تخصصی و توسعه‌ای)، بانک مشترک ایران- ونزوئلا(بانک مشترک ایرانی و خارجی)، بانک ملی (بانک دولتی تجاری)، بانک ملت (بانک دولتی تجاری)، بانک مهر اقتصاد (متقاضی دریافت مجوز)، بانک کارآفرین(بانک غیردولتی تجاری)، بانک کشاورزی (بانک دولتی تخصصی و توسعه‌ای)، پست‌بانک (بانک دولتی تجاری) و تعاون اسلامی برای سرمایه‌گذاری- مصرف التعاون الاسلامی للاستثمار (بانک خارجی)، فیوچرز بانک (بانک خارجی) نیز در فهرست بانک‌های دارای مجوز به چشم می‌خورد. همچنین در اسامی موسسات اعتباری مجاز هم، نام موسسه اعتباری غیربانکی نو، موسسه اعتباری غیربانکی کاسپین، موسسه اعتباری غیربانکی کوثر، موسسه اعتباری غیربانکی توسعه، موسسه غیربانکی ملل و موسسه غیربانکی ثامن که متقاضی دریافت مجوز است، به چشم می‌خورد.

سال ۹۶، سالی برای پایان غیرمجازها

در این میان، فرشاد حیدری، معاون نظارتی بانک مرکزی می‌گوید: امسال، سال ساماندهی بازار غیرمتشکل پولی باشد که حوزه وسیعی از شبکه بانکی، صرافی‌ها، لیزینگ‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه و تعاونی‌های اعتباری را دربرمی‌گیرد؛ این در حالی است که براساس آخرین آمار بانک مرکزی در حوزه صرافی‌ها، در سال‌های گذشته تا امروز ۹۲۸ مجوز برای صرافی‌ها صادر و مجوز ۲۲۲ صرافی به دلیل تخلف‌ها باطل شده و ۴۲۵ صرافی هم به صورت غیرمجاز به فعالیت می‌پردازند که در این خصوص به نیروی انتظامی برای پلمب این دسته از صرافی‌ها اطلاع داده شده است. حیدری با تاکید بر اینکه رصد موسسه‌های غیرمجاز برعهده نیروی انتظامی است، درباره حوزه شرکت‌های لیزینگ گفت: ۳۰۰ واحد شرکت لیزینگ در اداره ثبت شرکت‌ها ثبت شده‌اند که تنها ۵۰ واحد از آنها مجوز دریافت کردند و ۹۴ واحد به صورت غیرمجاز فعالیت می‌کنند که برای پلمب به نیروی انتظامی معرفی شده‌اند، بقیه یا احتمالاً فعالیت‌های غیرقانونی دارند یا در آدرس‌های اعلام شده مستقر نیستند. براساس آمار اعلامی حیدری، در حوزه صندوق‌های قرض‌الحسنه که در دهه ۱۳۶۰ مجوز فعالیت آنها توسط نیروی انتظامی صادر می‌شد، ۳ هزار و ۵۲۵ صندوق قرض‌الحسنه در سراسر کشور شناسایی شده‌اند که یا مجوز خود را از نیروی انتظامی دریافت کرده‌اند یا هیچ مجوزی برای فعالیت ندارند از این تعداد ۴۸ صندوق از بانک مرکزی مجوز فعالیت گرفته‌اند. به گفته وی، از این تعداد ۹۱۵ صندوق تحت پوشش سازمان اقتصاد اسلامی قرار دارند که بانک مرکزی قانونی بودن فعالیت آنها را پذیرفته و این سازمان، مدیریت صندوق‌های تحت پوشش خود را به انجام می‌رساند. معاون نظارتی بانک مرکزی تاکید دارد، یک هزار و ۵۳۴ صندوق برای هدایت به سمت اخذ مجوز از بانک مرکزی به نیروی انتظامی معرفی شده‌اند و در غیر این صورت باید برای تعطیلی آنها اقدام شود. ضمن آنکه یک‌هزار و ۲۸ صندوق غیرفعال هستند؛ البته تعاونی‌های اعتباری کارمندی، کارگری و صنفی که طبق قانون تعاون تنها می‌توانند از محیط کاری خود سپرده‌گذار جذب کنند و تسهیلات بدهند، دیگر حوزه‌ای است که بانک مرکزی به آن

ورود کرد زیرا مجوزهای آن از سوی وزارت تعاون صادر می‌شد اما این تعاونی‌ها اقدام به توسعه فعالیت‌های خود خلاف قانون کردند. به گفته حیدری، از سال ۱۳۸۸ تا به امروز بیش از ۱۳۴ تعاونی اعتباری صنفی ساماندهی شده است که البته تعدادی از این موسسات در فرآیند ساماندهی به دلایل مختلف مشارکت نکردند زیرا کاملاً آگاه بودند در صورت ساماندهی، فعالیت‌های غیرقانونی انجام شده توسط آنها شفاف شده و مسوولیت‌هایی برایشان به وجود خواهد آورد. به هر حال اکنون سال سختی پیش روی موسسات اعتباری مجاز است و اگرچه به گفته کارشناسان نظام بانکی، اوضاع موسسات اعتباری مجاز رو به بهبود است، اما هنوز این موسسات اعتباری مجاز هستند که باید زمینه‌ساز بهبود صورت‌های مالی و حرکت در چارچوب ضوابط بانک مرکزی شوند؛ موضوعی که البته به همراه بیشتر سپرده‌گذاران و پذیرش هر چه بهتر این موسسات مجاز و شناسنامه‌دار به عنوان موسساتی معتبر برای سپرده‌گذاری است.

روزنامه دنیای اقتصاد / شنبه ۹۶/۰۵/۲۸ شماره ۴۱۲۲ صفحه ۳

پلمب برندهای پوشاک بدون مجوز

دنیای اقتصاد: دبیر کمیسیون مبارزه با قاچاق کالا و ارز استان تهران می‌گوید با اتمام فاز اول شناسایی برندهای پوشاک غیرمجاز در شهر تهران، از هفته آینده برندهای فاقد مجوز که بر عرضه کالاهای ناشناس در قالب «برند» اصرار داشته باشند، پلمب خواهند شد. به گزارش خبرگزاری تسنیم، علی‌اکبر پوراحمدنژاد با اشاره به ساماندهی برندها در سطح شهر تهران اظهار کرد: طی هفته‌های اخیر نخستین فاز پالایش برندها و ساماندهی تابلوها در سطح شهر تهران انجام شد و اظهارهای قانونی به برندهای فاقد مجوز و کسبه‌ای که بدون داشتن مجوزهای لازم تابلوی برندهای مطرح را نصب کرده بودند، داده شد. وی افزود: در فاز دوم این طرح نیز با واحدهایی که نسبت به اخذ مجوزهای قانونی اقدام نکرده باشند، برخورد خواهد شد. به گفته پوراحمدنژاد، ۵۰ درصد واحدهای صنفی شناسایی شده در فاز اول این طرح که اظهارهای لازم را گرفته‌اند به دنبال اخذ مجوزهای لازم هستند. از سوی دیگر ابراهیم حوالی شهرداری، نایب رئیس اتحادیه تولید و صادرات نساجی و پوشاک ایران نیز درباره مجوز برندهای خارجی اعلام کرد که هنوز بسیاری از برندهای خارجی براساس دستورالعمل ساماندهی بازار پوشاک مجوز لازم را دریافت نکرده‌اند و تنها ۱۰ برند خارجی مجوز فعالیت دارند.

روزنامه دنیای اقتصاد / شنبه ۹۶/۰۵/۲۸ شماره ۴۱۲۲ صفحه ۳

موافقت با تسهیل واردات مواد اولیه پوشاک

خبرگزاری تسنیم: در جلسه کارگروه دستورالعمل واردات پوشاک با رئیس کل گمرک، مقرر شد شرکت‌های عضو اتحادیه تولید و صادرات نساجی و پوشاک ایران به منظور واردات مواد اولیه مورد نیاز خود با استفاده از تسهیلات خط سبز گمرکی، بدون توقف در گمرک، مواد اولیه مورد نیاز خود را تحویل بگیرند. براساس این توافق، اعضای اتحادیه فقط لازم است نمونه‌های وارداتی خود را قبل از ورود کالا به کشور برای تایید به اداره استاندارد به گمرک مربوطه ارائه کنند.

روزنامه دنیای اقتصاد / شنبه ۹۶/۰۵/۲۸ شماره ۴۱۲۲ صفحه ۳

اتاق ایران با بررسی تجربه جهانی ارائه کرد

فرمول ارفاق مالیاتی برای کوچک‌ها

دنیای اقتصاد: پیش‌بینی فرمول خاص در راستای اعطای ارفاق‌های مالیاتی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط را می‌توان یکی از سیاست‌های حمایتی از کوچک‌ها در دنیا دانست؛ فرمولی که در ایران چندان مورد توجه قانون‌گذاران حوزه مالیاتی قرار نگرفته است. بی‌توجهی به مفهوم بنگاه‌های کوچک و متوسط و نیازهای آنها به طراحی قواعد مالیاتی متناسب از سوی قانون‌گذاران در حالی است که این بنگاه‌ها نیازمند توجه ویژه از سوی سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران اقتصادی هستند؛ چرا که این بخش در کنار مشکلات خاص از قبیل دسترسی دشوار به منابع مالی، بار نسبتاً سنگین هزینه‌های تمکین قوانین و مقررات و آسیب‌پذیری در شرایط کاهش درآمد و نقدینگی را نیز به دوش می‌کشند که این کار، طراحی سیاست‌های حمایتی مخصوص این بخش را ضروری می‌سازد.

سیاست‌های حمایتی حوزه مالیات از جمله سیاست‌هایی است که به میزان زیادی مشکلات مذکور را تسهیل می‌کند، از این رو در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، مشوق‌ها و معافیت‌های مالیاتی متعددی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط در نظر گرفته شده است. با این حال به نظر می‌رسد در ایران، قانون‌گذار در حوزه مالیات، توجهی به مفهوم بنگاه‌های کوچک و متوسط و نیازهای آنها به طراحی قواعد مالیاتی متناسب نداشته است. بی‌توجهی به این مقوله در حالی است که اقتصاد کشور در رکود به سر می‌برد و ایجاد مشوق‌ها و معافیت‌های مالیاتی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌تواند در کوتاه‌مدت از شدت رکود بکاهد و وضعیت اشتغال را بهبود بخشد. همچنین سیاست‌ها، صدمه‌های وارد شده به بنگاه‌ها در زمان رکود را تا حدودی در میان‌مدت جبران خواهد کرد و آنها را در برابر شرایط رکودی در آینده مقاوم‌تر می‌سازد. از سوی دیگر با توجه به نقش این بنگاه‌ها در به‌کارگیری نوآوری و افزایش بهره‌وری، تقویت و حمایت آنها، موجب بهبود وضعیت ملی اقتصاد کشور در بلندمدت خواهد شد. براساس گزارش منتشر شده از سوی مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی ایران، بنگاه‌های کوچک و متوسط از چهار جهت «تولید، اشتغال، نوآوری و ارتباط با بخش غیررسمی» حائز اهمیت هستند. براین اساس می‌توان گفت بخش عمده‌ای از تولید در بنگاه‌های کوچک و متوسط صورت می‌گیرد، نقش دوم این بنگاه‌ها در ایجاد اشتغال است. سومین دلیلی که می‌تواند توجه‌کننده اهمیت بنگاه‌های کوچک و متوسط باشد نقش این بنگاه‌ها در نوآوری است، چرا که این بنگاه‌ها نسبت به بنگاه‌های بزرگ‌تر از قدرت انعطاف پذیری و تطبیق بیشتری برخوردارند و راحت‌تر می‌توانند نوآوری ایجاد شده را به‌کار بسته و به توسعه فعالیت‌ها بپردازند با این شرایط می‌توان گفت بنگاه‌های کوچک و متوسط در واقع وضعیت میانی بنگاه‌هایی هستند که با نوآوری توانسته‌اند سهم بازار قابل توجهی از دیگران به دست آورند اما هنوز به شکل یک بنگاه بزرگ در نیامده‌اند. چهارمین جنبه اهمیت این بنگاه‌ها ارتباط تنگاتنگ این بخش با بخش غیررسمی است، هر چند مشکلات این بنگاه‌ها بیشتر باشد اندازه بخش غیررسمی بزرگ‌تر خواهد بود. با توجه به موارد مطرح شده در اهمیت بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد می‌توان گفت این بخش نیازمند وجود قواعد مالیاتی متفاوت برای عبور از مشکلات مالی است. ارزیابی‌های صورت گرفته بیانگر آن است که یکی از دلایل کوچک ماندن بنگاه‌ها در کشورهای در حال توسعه، دشواری دسترسی به منابع مالی است. بنگاه‌های خیلی کوچک معمولاً از وام‌های خرد یا از آورده شخصی برای تامین مالی استفاده می‌کنند، اما بنگاه‌های کوچک و متوسط نیاز مالی بزرگتری دارند. بانک‌ها و موسسات اعتباری معمولاً یا با شرکت‌های بزرگ تعامل یا وام‌های خرد اعطا می‌کنند و تمایلی به کار با بنگاه‌های کوچک و متوسط ندارند؛ در این شرایط نظام مالیاتی می‌تواند به میزان زیادی این مساله را جبران کند. دومین دلیلی که توجه‌کننده تسهیلات مالیاتی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط است، هزینه‌های تمکین قوانین و مقررات است. فعالان اقتصادی فارغ از اندازه و نوع فعالیت باید با قوانین و مقررات مالیاتی و بیمه‌ای آشنایی داشته باشند و اسناد و مدارک مصرح در این قوانین را ثبت و ضبط کنند. هزینه انجام این نوع فعالیت‌ها را اصطلاحاً، هزینه تمکین قوانین و مقررات می‌نامند. اگرچه با بزرگ‌تر شدن بنگاه، حجم فعالیت‌های حسابداری و مستندسازی در بنگاه بیشتر می‌شود، ولی معمولاً هزینه‌های تمکین قوانین مالیاتی با تغییر اندازه بنگاه، تغییر زیادی نمی‌کند. از این نظر بنگاه‌های کوچک و متوسط نسبت به بنگاه‌های بزرگ، فشار بیشتری برای تمکین قوانین متحمل می‌شوند. در واقع بنگاه‌های بزرگ به علت توانایی در هضم کردن این هزینه‌ها و ایجاد بخش تخصصی برای تمکین می‌توانند انگیزه‌ای برای کوچک ماندن بنگاه‌ها و فرار از بخش رسمی نیز باشند. با این شرایط می‌توان گفت بنگاه‌ها، در دوران ورود به بخش رسمی با راه‌اندازی شرکت، آشنایی کافی با قواعد مالیاتی و بیمه ندارند و لازم است دستگاه‌های مربوط با نگاه تسهیلگر اولاً دوره‌های آموزشی خاص بنگاه‌های تازه‌وارد داشته باشند، ثانیاً دوران‌گذاری را برای تمکین کامل قوانین در نظر بگیرند، به این معنی که قوانین مالیاتی ساده‌تری برای این بنگاه‌ها در نظر گرفته شود و به آنها اجازه دهند تا طی یک فاصله چند ساله و به تدریج به کل قوانین عمل کنند و ثالثاً کوچک‌ترین کم‌اظهاری یا اشتباه در ارائه اسناد را دال بر فساد آگاهانه نگیرند. سومین توجیه رفتار متفاوت مالیاتی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط از آسیب‌پذیری آنها نسبت به کاهش درآمد و نقدینگی نشات می‌گیرد. محدودیت‌های اعتباری و نقدینگی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط باعث افزایش آسیب‌پذیری این بنگاه‌ها نسبت به کاهش درآمدی می‌شود، بنابراین در صورت عدم همراهی نظام مالیاتی در شرایط رکود، بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌توانند به تعطیلی کشیده شوند.

حمایت‌های مالیاتی رایج در دنیا

حمایت‌های مالیاتی رایج در دنیا از بنگاه‌های کوچک و متوسط به دو دسته کلی «ترجیحات مالیاتی و برنامه‌های کاهنده هزینه‌های تمکین» تقسیم می‌شوند. درباره ترجیحات مالیاتی حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط در دو «سطح کسب و کار

و سرمایه‌گذار» مدنظر قرار گرفته است که براساس دسته‌بندی صورت‌گرفته برای ترجیحات مالیاتی در سطح کسب و کار چهار نوع حمایت از این بنگاه‌ها در نظر گرفته شده است که در این خصوص می‌توان به «هزینه‌کرد فوری و استعلام عاجل، انتقال زیان، اعتبار مالیاتی و معافیت‌های مالیاتی» اشاره کرد، حمایت‌هایی که شرایط رشد را برای بنگاه‌های کوچک و متوسط فراهم می‌کند. درباره «هزینه‌کرد فوری و استعلام‌عاجل» در دنیا این امکان برای بنگاه‌های کوچک و متوسط در نظر گرفته می‌شود تا هزینه‌های سرمایه‌گذاری را دفعتاً (هزینه‌کرد فوری) یا با سرعت بیشتری (استهلاک‌عاجل) نسبت به سایر بنگاه‌ها از درآمد مشمول مالیات کسر کنند، این نوع حمایت موجب تقویت انگیزه‌های سرمایه‌گذاری بنگاه شده و به شکل موثرتری نسبت به کاهش نرخ مالیات روی سرمایه‌گذاری تاثیر می‌گذارد. درخصوص «انتقال زیان» نیز اجازه انتقال زیان سالانه به دوره بعد برای بنگاه‌های کوچک و متوسط پیش‌بینی شده است. به‌عنوان مثال ژاپن به بنگاه‌های کوچک و متوسط اجازه می‌دهد تا ۱۰۰ درصد از درآمد مالیات‌پذیر خود را با زیان سال قبل تهاثر کنند، درحالی که این مقدار برای بنگاه‌های بزرگ حداکثر ۶۵ درصد تا سال ۲۰۱۶ و ۵۰ درصدی در سال ۲۰۱۷ است.

درباره «اعتبار مالیاتی» به‌عنوان یکی دیگر از طرح‌های حمایتی، اعتبارات مالیاتی برای سرمایه‌گذاری، تحقیق و توسعه، اشتغال یا سلامت اعطا می‌شود. در این طرح زمانی که مالیات قابل‌پرداخت یک بنگاه صفر و یا منفی می‌شود اعتبار مالیاتی نقشی در کاهش مالیات پرداختی نخواهد داشت. در این شرایط برخی از کشورها به میزان اعتبار مالیاتی یا درصدی از آن را به بنگاه مسترد می‌کنند، این شیوه می‌تواند به رفع مشکلات نقدینگی بنگاه‌ها کمک کند. از سوی دیگر در زمینه «معافیت‌های مالیاتی» نیز با توجه به اینکه بنگاه‌های تازه‌وارد با توجه به هزینه‌های راه‌اندازی و نیز هزینه‌های آشنایی با قوانین و مقررات نیازمند حمایت‌های ویژه‌ای هستند، برخی از کشورها برای این بنگاه‌ها تخفیف‌های مالیاتی برای دوره زمانی محدود در نظر می‌گیرند. برای مثال مکزیک در سال اول ورود ۱۰۰ درصد مالیات بردرآمد، ارزش‌افزوده و مقطوع را می‌بخشد. نرخ معافیت مالیات‌ها طی بازه ۱۰ ساله به مرور کاهش یافته و نهایتاً حذف می‌شود. همین کشور معافیت‌هایی را برای حق بیمه اجتماعی کارکنان شاغل در بنگاه‌های تازه‌وارد در نظر می‌گیرد که طی بازه‌ای ۱۰ ساله حذف می‌شوند.

از سوی دیگر در بخش «ترجیحات مالیاتی در سطح سرمایه‌گذار» نیز در دنیا سه نوع حمایت در نظر گرفته شده که در این خصوص می‌توان به «سرمایه اولیه، زیان حاصل از سرمایه‌گذاری و فروش یا واگذاری کسب و کار» اشاره کرد. اما درخصوص دومین شیوه حمایتی از بنگاه‌های کوچک و متوسط که به «ساده‌سازی تمکین مالیاتی» بازمی‌گردد نیز سه نوع روش حمایتی در نظر گرفته شده که در این خصوص می‌توان به «کاهش تعداد مالیات‌ها، روش مالیات‌ستانی انگاشتی، آستانه ثبت اختیاری و حسابداری نقدی» اشاره کرد. براساس ارزیابی‌های صورت گرفته بنگاه‌های کوچک‌تر فشار بیشتری برای تمکین قوانین و مقررات مالیاتی متحمل می‌شوند، عواملی مانند تعدد انواع مالیات‌ها و تغییرات قوانین مالیاتی را می‌توان از جمله عوامل افزایش هزینه‌های تمکین دانست و آنچه مسلم است کاهش این هزینه‌ها علاوه بر حمایت از بنگاه‌ها انگیزه را برای فعالیت در بخش رسمی اقتصاد افزایش می‌دهد.

وضعیت حمایت‌های مالیاتی در ایران

روش‌های پیش گرفته در دنیا در راستای حمایت‌های مالیاتی از بنگاه‌های کوچک و متوسط درحالی است که در ایران تعریف رسمی واحدی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط وجود ندارد و همه تعاریف موجود بر مبنای تعداد کارکنان است. نکته دیگری که در این میان جلب توجه می‌کند نبود تعریفی رسمی برای این دسته از بنگاه‌ها از سوی سازمان امور مالیاتی و نهادهای بیمه‌ای است، در واقع در متون دو قانون مالیات‌های مستقیم و قانون مالیات بر ارزش افزوده و آیین‌نامه‌های آنها به‌طور مستقل مواد و مقرراتی به کسب و کارهای کوچک و متوسط اختصاص داده نشده است. روند پیش گرفته در راستای حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران در حالی است که «ابزارهای مالیات بر ارزش افزوده، مالیات بر سود شرکت‌ها(اشخاص حقیقی)، مالیات بر واردات و مالیات بر حقوق و مشاغل» را می‌توان مهم‌ترین ابزار درآمدی مالیاتی در کشور دانست؛ منابعی که در هیچ یک از آنها تسهیلات ویژه‌ای برای بنگاه‌های کوچک و متوسط در نظر گرفته نشده است. روند پیش گرفته در ایران در حالی است که با توجه به تجربیات کشورهای دیگر در سه حوزه مالیات بر «ارزش افزوده، مالیات بر سود شرکت‌ها و مالیات بردرآمد شخصی» پیشنهادهایی برای حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط پیش‌بینی شده است. براین اساس در زمینه مالیات بر ارزش افزوده پیشنهاد می‌شود تسهیلاتی در سه شکل حسابداری نقدی، حسابداری سالانه و آستانه ثبت نام اختیاری در نظر گرفته شود. از سوی دیگر با توجه به تورم بالا در ایران «حسابداری نقدی مالیات» می‌تواند به مدیریت جریان

نقد مودیان کوچک کمک کند و «آستانه ثبت نام اختیاری» نیز باعث کاهش هزینه‌های تمکین مودیان و مدیریت جمع‌آوری مالیات از سوی سازمان می‌شود. از سوی دیگر با توجه به تجربه سایر کشورها پیشنهاد می‌شود برای بنگاه‌های کوچک و متوسط ترکیبی از روش‌های هزینه‌کردهای فوری و استهلاک عاجل استفاده شود تا انگیزه سرمایه‌گذاری این بنگاه‌ها بهبود یابد، چرا که بنگاه‌های کوچک و متوسط نسبت به بنگاه‌های بزرگ دسترسی محدودتری به منابع اعتباری دارند. از سوی دیگر یک راهکار جایگزین می‌تواند حمایت‌هایی در سطح سرمایه‌گذار در قالب تخفیفات و اعتباری برای سرمایه‌گذاری اولیه در بنگاه‌های کوچک و متوسط باشد. این شیوه حمایت، مستقیماً از شیوه تامین مالی از طریق آورده صاحبان سهام حمایت می‌کند و شاید در بهبود انگیزه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم در کسب و کارهای کوچک، موثرتر عمل کند. در حال حاضر طبق قانون مالیات‌های مستقیم، زیان یک سال مالیاتی، قابل کسر از درآمد مالیات‌پذیر دوره بعد است و از این حیث ترجیحی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط لحاظ نشده است. در این خصوص به نظر می‌رسد رویکرد فعلی مناسب است و نیازی به افزودن پیچیدگی بیشتری نیست. سایر ترجیحات موجود در کشورهای دیگر از قبیل اعتبار مالیاتی تحقیق و توسعه، اعتبار مالیاتی سرمایه‌گذاری و اشتغال می‌توانند در میان‌مدت و پس از ارزیابی دقیق از میزان تاثیر پیشنهاد تسریع استهلاک و هزینه‌کرد فوری به کار بسته شوند. از سوی دیگر در زمینه مالیات بردرآمد شخصی نیز متأسفانه نظام مالیات برمجموع درآمد در کشور اجرا نمی‌شود. بدین معنی که منابع درآمدی یک فرد، شامل حقوق و دستمزد، سود ناشی از فعالیت‌های خوداشتغالی (مشاغل)، به تفکیک مشمول مالیات شده و حتی نرخ‌های متفاوتی برای هر یک از این منابع در نظر گرفته می‌شود. وجود نرخ‌های متعدد انگیزه افراد را برای انتخاب شکل بهینه فعالیت تحت تاثیر قرار می‌دهد و با اینکه فردی ممکن است در قالب شرکتی بتواند بیشترین بهره‌وری را داشته باشد اما به خاطر پایین‌تر بودن نرخ مالیات مشاغل قالب فعالیت خوداشتغالی را ترجیح می‌دهد. در این خصوص علاوه بر همسان‌سازی نرخ‌های مالیاتی برای اشکال مختلف ایجاد طرحی برای انتقال زیان بین‌پایه‌ای برای بنگاه‌های کوچک و متوسط و سهامداران آنها می‌تواند مقدمه‌ای برای حمایت از این بخش و نیز راه‌اندازی نظام مالیات بر مجموع درآمد باشد.